

# زیارت

ماهنامه داخلی شرکت مرکزی  
دفتر خدمات زیارتی سراسر ایران

شمس



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی

به همه فهماند که انسان کامل شدن و علی وار زیستن تا نزدیکی مرزهای عصمت  
پیش رفتن افسانه نیست.



مهم‌ترین کاری که امام انجام می‌دهد، عدل است. این عدل، یک مثلث مبارکی را می‌طلبد که دو بخش اساسی آن بر عهده امام است. و یک بخش اساسی آن هم بر عهده ماست... (در مسئله ظهور) هم قانون، قانون عدل است و هم رهبر، رهبر عادل. مشکل تنها از جامعه است... جامعه اگر عدل خواه نباشد، آن عدل علوی و مهدوی اجرا نخواهد شد... به ما گفته‌اند منتظر آن حضرت باشید و اگر بخواهید حضرت ظهور بکنند و عدل را گسترش بدهند باید... تشنه عدل باشید.

آیت الله جوادی آملی - نشریه فرهنگ جمعه، شماره ۶۹، ص ۱۷.



## فهرست

سخن سردبیر / ۲

کلام امام / ۳

شرایط زمامداری در دوره غیبت

شمیم ولایت

شاخص‌های مکتب سیاسی امام

حیات طویه

نسیم وحی؛ پاسخ به سؤالات قرآنی

با افلاکیان

یا شفاعت یا زیارت

آشنایی با سرزمین‌های اسلامی

اماکن سیاحتی و زیارتی عراق - سامرا

شام سرزمین پیامبران

گزارش

بیانات آیت‌الله ری شهری در سفر به عتبات عالیات

مقاله

آنچه شیعه و سنی باید بدانند

ویژه‌نامه رحلت امام (ره) / ۱۷

شاخص‌های مکتب سیاسی امام

حسینیه

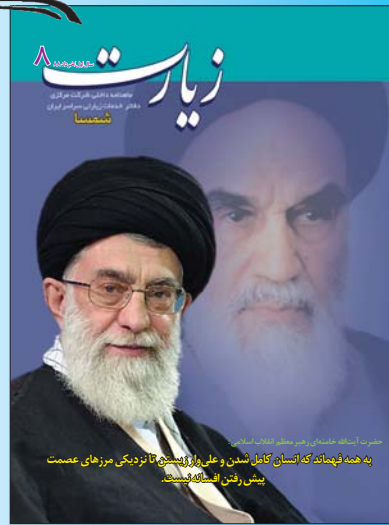
آثار و برکات اخلاقی امام حسین (ع)

بازتاب عاشورا در فقه سیاسی شیعه

راز ماندگاری

اخبار شمس

از شمس چه خبر



ماهنامه داخلی شرکت مرکزی دفاتر خدمات زیارتی سراسر ایران (شمسا)

مدیر مسوول: ناصر صبا

سردبیر: محسن بغلانی

زیر نظر: شورای نویسندگان

دبیر اجرایی: وحید صابری

مدیر فنی: امیر خلیلی فرد

مدیر هنری: مسعود پورباقی

حروفچینی: حمید سخا

تصحیح: مرضیه رضاسلطانی

نشانی: میدان توحید، خیابان نصرت غربی، پلاک ۴۸

تلفن: ۶۶۹۰۵۴۲۰

[www.shmsa-co.com](http://www.shmsa-co.com)

[www.shmsa-co.org](http://www.shmsa-co.org)

## بار دیگر خرداد فرارسید

خرداد ماهی است که شاید هنوز هم رازهای ناگشوده ای در تاریخ انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران داشته باشد.

خمينی (ره) کبير در اين ماه انقلاب اسلامی خویش را آغاز کرد. انقلابی که طومار حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و نیم قرن حکومت مستبد خائن پهلوی را در هم پیچید. انقلابی که جهان را متأثر از خویش ساخت. انقلابی که اهداف آن را در چند کلام می توان احیاء ارزشهای دینی، حفظ کرامت انسانی و حیات بخشی به توده های مسلمان مستضعف که در پی یک قرن استعمار و تحمل حکومت ظالمانه و جابرانه خائنین به دین و آئین، ملک و میهن به سوی مرگی حتمی و تدریجی گام بر می داشت، نامید. در زمانی که استعمار پیر در این جزیره آرام و باثباتی که برای خویش ساخته بوده به غارت سرمایه های ملی پرداخته و مارکسیسم دین را افیون ملتها معرفی می کرد، خورشید درخشان فقاقت که تالو انوار قدسی خود را از دین بر گرفته بود، ناگهان در یک زمان بر سینه دو اندیشه استعماری شرق و غرب کوبیده و امت مسلمان ایران در پر تو این انوار درخشان در مسیر مستقیم الهی قدر افراشت. آنگاه عزت و اقتدار و عظمت اسلامی و ایرانی، بار دیگر به ایران باز گشت.

«اما شربت ازل لعلش نچشیدیم و برفت

رخ مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت»

امام راحل در همان نیمه خرداد که انتظار فرج را از آن می کشید به یاران شهید خود پیوست. ولی و دیعه گرانبهای ولایت فقیه را در میان ما به یادگار گذاشت. اکنون در آستانه سومین دهه ولایت به مولا و مقتدای خویش حضرت آیت الله العظمی خامنه ای عرض می کنیم که: ای مولا و مقتدای ما، این امت مسلمان به گفته امام راحل خویش پیر و ولایت فقیه است. زیرا که بقا و دوام راه امام و شهیدان را در آن می جوید. مولا ی ما، بار دیگر با شما عهد می بندیم که هرگز دست از دامان ولایت بر نکشیده و سر و جان خویش را بر سر این پیمان خواهیم گذاشت.

انشاء الله



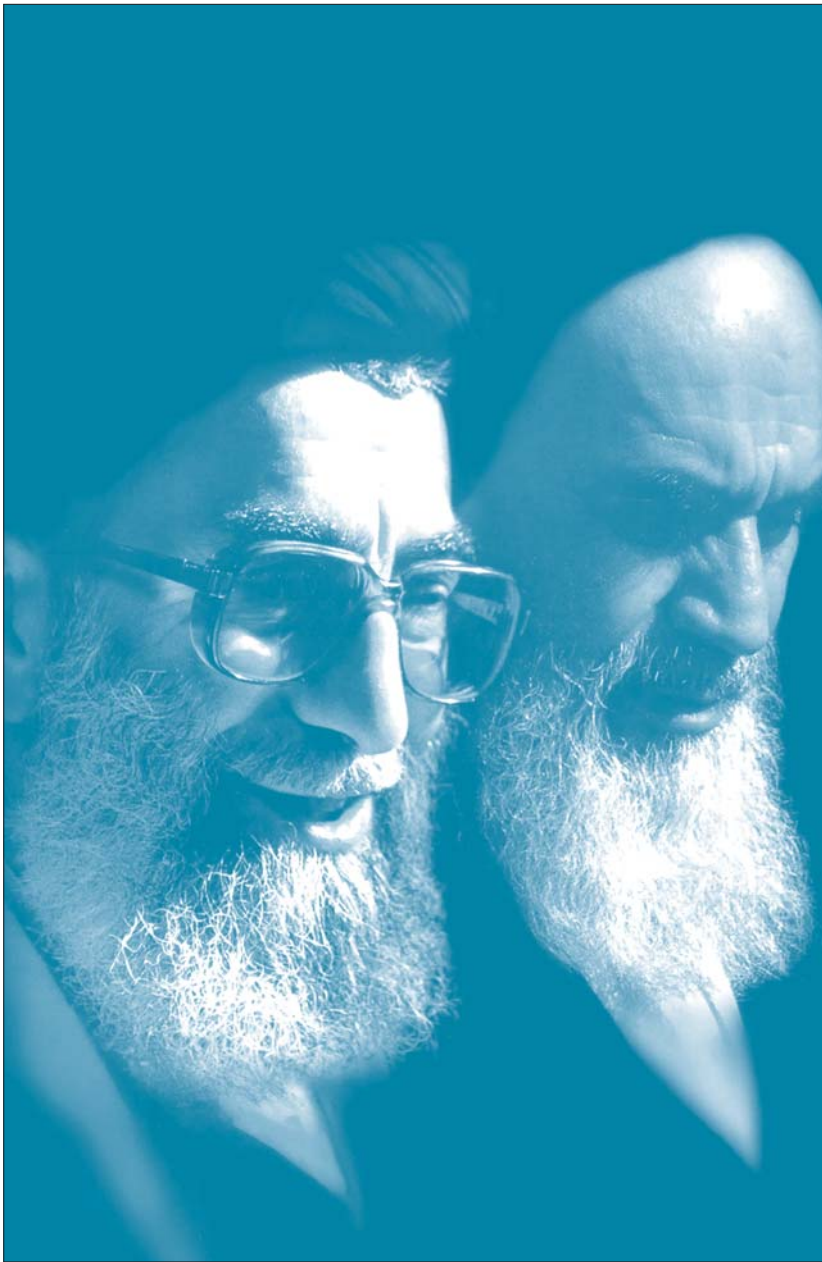
ولایت فقیه و حکومت در دیدگاه امام (ره)

# شرایط زمام‌دار در دوره غیبت

■ اکنون که دوران غیبت امام (علیه السلام) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است تا اگر به ما هجوم آوردند بتوانیم جلوگیری کنیم، اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند، دفاع کنیم. شرع مقدس هم دستور داده که باید همیشه در برابر اشخاصی که می‌خواهند به شما تجاوز کنند برای دفاع آماده باشید. برای جلوگیری از تعدیات افراد نسبت به یکدیگر هم حکومت و دستگاه قضایی و اجرایی لازم است. چون این امور به خودی خود صورت نمی‌گیرد، باید حکومت تشکیل داد چون تشکیل حکومت و اداره جامعه بودجه و مالیات می‌خواهد، شارع مقدس بودجه و انواع مالیاتش را نیز تعیین نموده است مانند خراجات، خمس، زکات، و غیره.

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا این که اسلام تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند. و ما اگر کارهای آنها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد؟ یا این که حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (علیه السلام) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند.





# شاخص‌های مکتب سیاسی امام (ره)

من می‌خواهم روی مکتب سیاسی امام تکیه کنم. مکتب سیاسی امام نمی‌تواند از شخصیت پُر جاذبه‌ی امام جدا شود. راز موفقیت امام در مکتبی است که عرضه کرد و توانست آن را به‌طور محسوس و به‌صورت یک نظام، در مقابل چشم مردم جهان قرار دهد. البته انقلاب عظیم اسلامی ما به‌دست مردم به پیروزی رسید و ملت ایران عمق توانایی‌ها و ظرفیت فراوان خود را نشان داد؛ اما این ملت بدون امام و مکتب سیاسی او قادر به چنین کار بزرگی نبود. مکتب سیاسی امام میدانی را باز می‌کند که گستره‌ی آن حتی از تشکیل نظام اسلامی هم وسیع‌تر است. مکتب سیاسی‌یی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می‌کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه‌ی آنهاست؛ لذا کهنه نمی‌شود. کسانی که سعی می‌کنند امام بزرگوار ما را به عنوان یک شخصیت متعلق به تاریخ و متعلق به گذشته معرفی کنند، در تلاش خود موفق نخواهند شد. امام در مکتب سیاسی خود زنده است، و تا این مکتب سیاسی زنده است، حضور و وجود امام در میان امت اسلامی، بلکه در میان بشریت، منشأ آثار بزرگ و ماندگار است. مکتب سیاسی امام دارای شاخصه‌هایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته‌ی این مکتب را در این جا بیان می‌کنم.



یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است.

در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را با هم داشت و همین را دنبال می کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه رفتارها و همه مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می زد. امام به اراده تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشت و می دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می کند، قوانین و سنت های آفرینش کمک کار او است. او معتقد بود که: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَرِيْبًا حَكِيْمًا». امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود می دانست و علائم راهنمای حرکت خود به شمار می آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می آمد و او را به هدفهای بزرگ آرمانی خود می رساند...

شناخص دوم، اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است؛ هم کرامت انسان، هم تعیین کننده بودن اراده انسان. در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشته بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما - که از متن اسلام گرفته شده است - مردم سالاری حقیقی است؛ مثل مردم سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست

شناخص سوم از شاخص های مکتب سیاسی امام، نگاه بین المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه امت اسلامی و همه بشریت می خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند. امریکایی ها هم می گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دموکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دموکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و آفریقا است؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دخل بازی و فریبگری و ظلم و جنایت به چشم می خورد. با این وسایل می خواهند حقوق بشر و رسالت جهانی شان را گسترش دهند! مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نوی خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می کند و مثل نسیم بهاری و عطر گلها در همه جا می پیچد... شاخص مهم دیگر مکتب سیاسی امام بزرگوار ما پاسداری از ارزش هاست، که مظهر آن را امام بزرگوار در تبیین مسأله ولایت فقیه روشن کردند. از اول انقلاب اسلامی و پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، بسیاری سعی کرده اند مسأله ولایت فقیه را نادرست، بد و برخلاف واقع معرفی کنند؛ برداشتهای خلاف واقع و دروغ و خواسته ها و توقعات غیر منطبق با متن نظام سیاسی اسلام و فکر سیاسی امام بزرگوار. این که گاهی می شنوید تبلیغات چی های مجذوب دشمنان این حرف ها را می پرانند، مربوط به امروز نیست؛ از اول، همین جریانات و دست آموزها و تبلیغات دیگران این حرف ها را مطرح می کردند...

آخرین نکته ای که به عنوان شاخصه ی مکتب سیاسی امام عرض می کنم مسئله عدالت اجتماعی است عدالت اجتماعی یکی از مهم ترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست. در همه ی برنامه های حکومت (در قانونگذاری و در اجرا و در قضا) باید عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف های طبقاتی مورد نظر و هدف

## ■ فزای از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۳/۳/۱۴



### بهترین کیست؟

مردم سعی کنند صالح ترین را انتخاب کنند. آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری می شوند و در شورای نگهبان صلاحیت آن ها زیر ذره بین قرار میگیرد و شورای نگهبان صلاحیت آن ها را اعلام میکند، این ها همه شان صالح اند. اما مهم این است که شما در بین این افراد صالح، بگردید و صالح ترین را پیدا کنید. این جا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفاء کنیم، دنبال حداکثر باشیم، بهترین را انتخاب کنید. بهترین کیست؟ من نسبت به شخص، هیچ گونه نظری ابراز نمی کنم، اما شاخص هائی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافی گری و تجمل پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافی گری باشد، مردم را به سمت اشرافی گری و به

■ شاخص سوم از شاخص های مکتب سیاسی امام، نگاه بین المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران



سمت اسراف سوق خواهد داد. اینی که ما گفتیم امسال، سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف است، یعنی امسال سالی است که ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه کند. نمی گوئیم به کلی و یکباره و در طول یک سال، اسراف تمام بشود، نه، ما واقع بین تر از این هستیم، می دانیم این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم، باید این کار را شروع کنیم.

## ■ بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۰۲/۲۲



### کسانی را روی کار بیاورید که ایستادگی در مقابل زورگویان را ارزش بدانند

من می خواهم عرض کنم عزیزان من! این آگاهی همیشه لازم است. امروز هم لازم است، فردا هم لازم است. نسل جوان ما خوشبختانه امروز یک نسل غالب در سرتاسر کشور است. جوان ها به هوش باشند، بیدار باشند. معیارها مشخص است. در انتخابات، این آگاهی باید اثر کند، در بیان خواسته های ملت این آگاهی باید تأثیر بگذارد، در حضور گوناگون، در مسائل مختلف، این آگاهی بایستی اثر بگذارد. ملت ایران در انتخاب های خود - معیارهای انتخابات را من آن روز عرض کردم، این هم مکمل آن هاست - توجه کند، کسانی با رأی ملت سر کار نیابند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیابند که بخواهند با تملق گوئی به غرب، به دولت های غربی، به دولت های زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین المللی دست و پا کنند. این ها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیابند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیله ی آن ها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزش های انقلابی شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای این که به فکر ادامه ی راه امام و ارزش ها و اصول ترسیم شده ی به وسیله ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.

## ■ بیانات در دیدار مردم بیجار ۱۳۸۸/۰۲/۲۸

ادامه در صفحه ۹



# نسیمی وحی

پاسخ به سوالات  
قرآنی



## □ مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

امروز را من اختصاص می‌دهم به پاسخ دادن به بعضی از سئوالات چون بنای ما بر همین است و سئوالات زیادی هم مطرح شده، متأسفانه وقت کفایت نمی‌کند والا سئوالاتی که می‌شود، بسیار خوب است - و گاهی مطالعه‌ی این سئوالات شما مرا خوشحال می‌کند، چون می‌بینم سؤال از روی دقت طرح شده و حاکی از یک تیزنگری در مطلبی است که در درس بیان شده و باید عرض کنم که طرح این سئوالات دو فایده دارد: فایده‌ی اول این است که: بنده که می‌خواهم برای شما بحث را مطرح کنم، در فضای واقعی جلسه قرار می‌گیرم، و لذا صرف این که در مقابل هم بنشینیم کافی نیست و باید بنده در فضای ذهنی این جمع شما قرار بگیرم! یعنی تا مرد سخن نگفته باشد، آدم نمی‌داند در ذهن شما چه می‌گذرد، در حالی که اگر این را بدانیم، در تنظیم و ارائه‌ی مطالب اثر خواهد گذاشت و این فایده اول است. اما فایده دوم این است که: گاهی ما یک مطلبی را با همان وضوحی که در ذهن خودمان دارد، به اجمال بیان می‌کنیم و یا نکته‌ای از نکات آن بحث ناگفته می‌ماند، لذا وقتی شما سؤال می‌کنید، نکته‌ها باز می‌شود. و جوانب مسأله شکافته می‌شود، که این برای مجموع درس و بحث ما بسیار مفید است. البته در دروسهای علمیه مرسوم این است که: اشکال در بین درس انجام می‌گیرد، سؤال هم نیست،...





غالباً به حرف استاد اشکال و اعتراض می‌کنند که آن محسنات خاص خودش را دارد و فی‌المجلس انجام می‌گیرد. مثلاً این سؤالات شما را که الان من مطرح می‌کنم، ای بسا بعضی از سؤال‌کننده‌ها یا همه‌ی آنها امروز اینجا و حضور نداشته باشند و در طول چند هفته این سؤالات شده باشد، اما در آنجا اینطور نیست و به محض اینکه سؤال مطرح شد پاسخ داده می‌شود و مطلب روشن می‌گردد، البته این روش در این بحث خیلی میسر نیست، چون در حوزه‌های علمیه این یک سنت جا افتاده است و چون جا افتاده مشکلاتی بر آن مترتب نمی‌شود. مثلاً فرض کنید گاهی شاگرد یک سؤالی از استاد می‌کند که استاد می‌بیند سؤال بی‌ربط است، یا جوابی نمی‌دهد، یا اینکه تشریح می‌زند به شاگرد، این معمول است و بنده در مشهد در درس یک عالمی حضور داشتم، دیدم، یکنفر اشکال می‌کرد، استاد آنقدر عصبانی شد که با یک کلمه‌ی از جار آمیزی دستش را بلند کرد می‌خواست بزند بر سر شاگرد، اما آن بنده‌ی خدا سرش را پس زد و کتک نخورد یعنی اینطور است و آن شاگرد هم ناراحت نمی‌شود. حالا اگر اینجا یک دانشجویی سؤال کند و ما بگوئیم تو نفهمیدی، چنین چیزی در عرف درس و بحث دانشگاهی شما اصلاً مرسوم نیست، یا اگر جواب داده نشود، یا جواب تند داده بشود این شاگرد بدش می‌آید که آقا جواب ما را ندادند! در حالی که اگر حرف درست و حسابی باشد دلیلی ندارد که استاد جواب ندهد، یعنی این جواب ندادن دلیل بر آن نیست که استاد از جواب دادن در مانده، این مطلب در حوزه‌های علمیه جا افتاده و معلوم است که آن استاد، استاد این فن است، ولذا اگر جواب ندهد. آن شاگرد به اشتباه تصور نمی‌کند که چون استاد بلد نبود جواب نداد، بلکه می‌فهمد که حرف خودش اشتباه بوده، لکن در محیط‌های دانشگاهی چون هنوز این روش جا نیفتاده، خیلی عملی نیست و گذشته از این، در حوزه علمیه اشکالات خیلی تلگرافی است. یعنی شاگرد اشکال خودش را در چند جمله خلاصه می‌کند و استاد می‌فهمد که او چه می‌خواهد بگوید، اما در این محیط‌ها من خیال می‌کنم اگر بنا باشد سؤال مطرح باشد، شاگرد خودش را محتاج می‌بیند که مقداری توضیح بدهد، ولذا چون وقت زیادی گرفته خواهد شد، عملی نیست. بنابراین همین روش سؤالات کتبی خوب است که انجام بدهید. البته سؤال کتبی معمول در اینجا و در پرسش و پاسخ‌ها و درس و بحث‌های محیط‌های دانشگاهی و در محیط‌های معمولی یک حسن دارد و آن این است که استاد فرصت فکر کردن را پیدا می‌کند، یعنی این سؤال شما وقتی مطرح می‌شود، استاد روی آن فکر می‌کند و لذا چون این پاسخ اندیشیده بهتر از پاسخ ارتجالی و فوری است، لابد پخته‌تر و کاملتر خواهد شد. بهر حال آنچه که من می‌خواهم نتیجه بگیرم، این است که به این روش، یعنی سؤال کردن ادامه بدهید و تا جواب را نگرفتید قانع نشوید، یعنی سؤال را آنقدر تکرار کنید تا جواب داده بشود. البته هر چند هفته یکبار که شاید مثلاً یکی دو ماه یکبار بشود سؤال‌ها را به من می‌دهند و امروز آوردند من دیدم سؤال‌های خوبی است، ولذا ادامه‌ی درس را به بعد موکول می‌کنم و سؤال‌ها را جواب می‌دهم.

### ■ آیا واژه شک و ریب از نظر کاربرد، در قرآن با هم تفاوت دارند؟

بله شک، یعنی احتمال پنجاه، پنجاه، و ریب یعنی شک تهمت آلود، وقتی شما شک دارید که آیا امروز باران خواهد بارید یا نه، این شک است و به این ریب نمی‌گویند. اما وقتی شک دارید آیا حرفی که فلان کس می‌زند، سخن او سخن راست است یا دروغ، به این ریب گویند. یعنی همراه با تهمت است و او را دارید متهم می‌کنید، البته نه تهمت به معنایی که بد باشد، بلکه احتمال می‌دهید آنچه او می‌گوید مقرون به حقیقت نباشد، اینجا قرآن می‌گوید: و ان کتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله (بقره - ۲۳) اگر شما شک تهمت آلود دارید، یعنی فکر می‌کنید آنچه که او بنام سخن خدا بر شما فرو می‌خواند، سخن خدا نیست و پیغمبر از خودش آن را ساخته است یک سوره مثل آنرا بیاورید. بنابراین: شک و ریب در کاربردهای قرآنی دو جور معنا مفهوم دارد.

### ■ تفاوت سحر و معجزه در چیست؟

همانطور که عرض شد: معجزه عبارت از: ارائه‌ی یک حقیقت و یک واقعیتی است، که بیننده، از آن واقعیت فقط خود آن پدیده را می‌بیند و از علل آن خبر ندارد و لذا قادر بر این نیست که آن علل را بشناسد. اما سحر، ارائه یک خیال و یک توهم است که به صورت واقعیت نشان داده می‌شود. مثلاً: در قضیه حضرت موسی (ع) کار حضرت موسی این بود

که عصا را می‌انداخت و آن عصا به اذن الهی تبدیل به اژدهای حقیقی می‌شد. این معجزه البته یک علتی هم دارد و همانطور که گفتیم: نظام علیت بر او حاکم است، منتها چگونگی این علت را ما نمی‌شناسیم و چون در میان سؤالات یک سؤالی هم از علیت شده، بعد آنرا عرض می‌کنم و توضیح بیشتری در ذیل آن سؤال خواهم داد، اما بهر حال آن عصای حضرت موسی عصا بود و تبدیل به اژدهای حقیقی شد و یا عصا را وقتی به سنگ زد، آن سنگ حقیقتاً شکافته شد و از آن دوازده چشمه‌ی جوشان آب بیرون آمد که هر کس از آن آب می‌خورد احساس رفع عطش می‌کرد، یعنی مواد آب وارد بدنش می‌شد و هیچ توهمی برایش وجود نداشت. یا آن وقتی که عصا را به دریا زد: فاعینا الی ام موسی ان اضرب بعصاک البحر فانلقی (شعراء - ۶۳) آن قسمت از دریا ناگهان تبدیل شد به دوازده راه، یعنی دوازده را کشیده شد وسط دریا و آن راهها در زمین کف دریا بود و در کنار آن راهها هم دیواره‌ای از آب حرکت می‌کرد و بنی اسرائیل از این راهها عبور کردند، ولذا اگر آن راهها یک چیز خیالی بود، از راه خیالی وسط دریا ممکن نبود بشود عبور کرد، پس این معجزه است. اما سحر مثل آن ریسمانها و عصاهای سحری فرعون است که آمدند انداختند و وقتی آن عصاها و ریسمانها را روی زمین ریختند کسانی که مشاهده می‌کردند به نظرشان می‌رسید آن ریسمانها و عصاها دارند حرکت می‌کنند، در حالی که در واقع حرکت نمی‌کردند، لکن تأثیر سحر آن ساحر در چشم بینندگان حرکت ریسمانها را ادعای می‌کرد، ولذا قرآن می‌گوید: یخیل الیه من سحر هم انها تسعی (طه - ۶۶) بر اثر سحر آن ساحران آنها به خیالشان می‌رسید که اینها دارند حرکت می‌کنند پس معجزه یک واقعیت

■ معجزه ارائه‌ی یک حقیقت و یک واقعیتی است، که بیننده، از آن واقعیت فقط خود آن پدیده را می‌بیند و از علل آن خبر ندارد و لذا قادر بر این نیست که آن علل را بشناسد

و یک حقیقت است و سحر یک امر خیالی باطل و یک امر دروغین است و لذا در قرآن از همین سحر، ساحران فرعونی تعبیر به کید شده: انما صنعو کید ساحر (طه - ۶۹) این یک مکاری و حيله‌گری، جادوگرانه بود و واقعیتی نداشت، ولا یفلح الساحر حیث اتی (طه - ۶۹) ساحر پیروز نمی‌شود. فرض کنید، یک ساحری سحر می‌کند و مثلاً از دهان حیوانی مثل شتر وارد می‌شود و از مقعد او خارج می‌شود. ظاهراً شما می‌بینید که وارد دهان شتر شد. بعد هم از مقعدش بیرون آمد، آیا او واقعاً وارد معده‌ی این حیوان شد و روده‌ی بزرگ و روده‌ی کوچک را طی کرد و آمد بیرون؟! بلکه اصلاً چنین حرکتی اتفاق نیفتاده اما شما اینطور تصور می‌کنید، یا با سحر خودش همانطور که در داستانهای تاریخی نقل شده، ساحری سر یک کسی را از گردنش جدا می‌کرد بعد دوباره سر را می‌گذاشت سر جایش به حال عادی بر می‌گشت!! یعنی واقعاً این کشته شد؟ چنین چیزی ممکن نیست، و این سحر بود. حالا اینکه خود این سحر چگونه بدست می‌آید و آن ساحر از چه قدرتی برخوردار می‌شود که می‌تواند این تخیل را در ذهن بینندگان ایجاد کند و خود آن یک بحث دیگری است و آن هم یکی از پدیده‌هایی است که یک نظام علیتی بر او حاکم است و گرافه و کتره نیست. این علوم غریبه‌ای که وجود دارد اعم از سحر و شعبده و روشهای گوناگون پنج علم کیمیا و سمیما و همیما و آن به اصطلاح علوم کله سر هر کدام اینها یک قوانین علیتی دارند، یعنی در نظام آفرینش هیچ چیزی بدون علت بوجود نمی‌آید، منتها علتش از سنخ هست و یک علت مخصوصی دارد که آن علت برای ما ناشناخته است، لکن راه تعلمش باز است و هر کس می‌تواند برود یاد بگیرد، ولذا پدیده‌ی حاصل از سحر این تفاوت را با پدیده‌ی حاصل از معجزه دارد، که عرض کردیم: پدیده‌ی ناشی از معجزه یک پدیده‌ی واقعی و یک پدیده‌ی حق و آن چیزی است که وجود او حقیقت دارد. دروغ نیست، اما آن پدیده‌ی که ناشی از جادو و سحر است او یک ناحق و غیر واقع است. که در تعبیر قرآنی به او می‌گویند باطل.

## با افلاکیان تهذیب نفس، شرط درک خدمت امام زمان (عج)



کار دارد، روزی به او می‌گوید: بعد از درس با شما کاری دارم. چون خلوت می‌شود می‌گوید: آقای عزیز، مسلم است که شما با جایی ارتباط دارید، به من بگویید خدمت آقا امام زمان (عج) مشرف می‌شوید؟ استاد اصرار می‌کند و شاگرد ناچار می‌شود جریان تشرف خود خدمت آقا را به او بگوید. استاد می‌گوید: عزیزم، این بار وقتی مشرف شدید، سلام بنده را برسانید و بگویید: اگر صلاح می‌دانند چند دقیقه ای اجازه تشرف به حقیر بدهند. مدتی می‌گذرد و آقای طلبه چیزی نمی‌گوید و آقای استاد هم از ترس اینکه نکند جواب، منفی باشد جرأت نمی‌کند از او سؤال کند ولی به جهت طولانی شدن مدت، صبر آقا تمام میشود و روزی به وی می‌گوید: آقای عزیز، از عرض پیام من خبری نشد؟ می‌بیند که وی (به اصطلاح) این پا و آن پا می‌کند. آقا می‌گوید: عزیزم، خجالت نکش آنچه فرموده اند به حقیر بگویید چون شما قاصد پیام بودی (و ما علی الرسول إلا البلاغ المبین) آن طلبه با نهایت ناراحتی می‌گوید: «آقا فرمودند: لازم نیست ما چند دقیقه به شما وقت ملاقات بدهیم، شما تهذیب نفس کنید من خودم نزد شما می‌آیم.»

حجت الاسلام قدس می‌گوید: «روزی آقا (آیت الله بهجت «ره») فرمودند: در تهران استاد روحانی بود که لمعتین را تدریس می‌کرد، مطلع شد که گاهی از یکی از طلاب و شاگردانش که از لحاظ درس خیلی عالی نبود، کارهایی نسبتاً خارق العاده دیده و شنیده می‌شود. روزی چاقوی استاد (در زمان گذشته وسیله نوشتن قلم نی بود، و نویسندگان چاقوی کوچک ظریفی برای درست کردن قلم به همراه داشتند) که خیلی به آن علاقه داشت، گم می‌شود و وی هر چه می‌گردد آن را پیدا نمی‌کند و به تصور آنکه بچه‌هایش برداشته و از بین برده اند نسبت به بچه‌ها و خانواده عصبانی می‌شود، مدتی بدین منوال می‌گذرد و چاقو پیدا نمی‌شود. و عصبانیت آقا نیز تمام نمی‌شود. روزی آن شاگرد بعد از درس ابتداءً به استاد می‌گوید: «آقا، چاقویتان را در جیب جلیقه کهنه خود گذاشته‌اید و فراموش کرده‌اید، بچه‌ها چه گناهی دارند.» آقا یادش می‌آید و تعجب می‌کند که آن طلبه چگونه از آن اطلاع داشته است. از اینجا دیگر یقین می‌کند که او با (اولیای خدا) سر و

# بازارت باسفااعت

ابراهیم کبری (۱)



اشک‌هایش را پاک می‌کرد، عکس پسر بچه‌ای را از جیبش در آورد و شروع کرد به بوسیدن، می‌گفت: هنوز یک سالش نشده! هجده سال از آن ماجرا می‌گذرد از نخلستان‌های شب عملیات به صحن مطهر برگشتم.

نوحه خوانی تمام شده است و حالا کبوترهای آمین از گودی سینه‌های سوخته، رو به آسمان حرم در پروازند. چند قدم جلو می‌روم جلوی کاروان، علمی در اهتزاز است: «کاروان فرزندان شاهد».

جلوتر می‌روم. کنارم جوانی که پیشانی بند سبز دارد می‌ایستم و به چهره‌اش خیره می‌شوم. بوی باروت می‌آید. بوی باروت و خاکریز، خاکریزی که سید پشت آن شده بود. نه! سید زنده است. اشک امانم نمی‌دهد. سلام می‌کنم. او را در آغوش می‌گیرم و دست در دست هم برای خواندن نماز زیارت وارد حرم مطهر می‌شویم.

۱- عضو بیسجیان اهل قلم استان خراسان رضوی

از دحام نفس‌گیری است بالاخره فشار جمعیت مرا به درون صحن مطهر هل داد وارد صحن مطهر شده ام السلام علیک یا ابا عبد الله اشک امانم نمی‌دهم. همه، یک صدا گریه می‌کنند.

در گوشه‌ای از حرم، کاروانی هم قد با پیشانی بند های قرمز، توجهم را جلب می‌کند جلو آنها جوانی با پیشانی بند سبز رنگ رو به جمعیت ایستاده و با نفس گرمش در اجاق دل زائران می‌دمد. صدا آنقدر دلنشین است که دست هر زائر را گرفته پهلوی خود می‌نشانند. بارشته‌های باریکی از خون کربلا و شلمچه را به هم پیوند زد و با صدای گریه فریاد کشید: «آی رزمنده‌هایی که قول دادید کربلا نایب‌الزیاره باشید».

میخ‌کوب شدم. زنگ خاطره‌ای، وجودم را از خواب پراند. خاطره شب عملیات، نخلستان‌های سوخته و لحظه‌ای که برای وداع با سید همدیگر را در آغوش گرفتیم، گریه کردیم و فرار گذاشتیم هر کدام شهید شدیم شفاعت و هر کدام کربلا رفتیم زیارت ییادش نرود. سید بعد از وداع با من در حالی که



## اماکن زیارتی وسیاحتی عراق (۷)

# سامرا

محمدرضا قمی

شهر سامرا چهارمین شهر مقدس عراق است. ساختمان این شهر که در ۱۲۴ کیلو متری شمال بغداد و در سمت شرق رودخانه دجله قرار گرفته، به سال ۲۲۱ ه. باز می‌گردد. در این سال محمد المعتصم بالله فرزند هارون الرشید پایتخت خلافت را از شهر بغداد به سامرا منتقل ساخت و تا سال ۲۵۶ ه. هشت خلیفه از این شهر حکمرانی و خلافت نمودند. در این سال المعتمد علی الله عباسی بار دیگر به بغداد بازگشت و آنجا را پایتخت خلافت قرار داد.

سامرا طی مدت سه دهه پایتختی، توسعه فراوانی یافت و تعداد زیادی از کاخها و تفریح گاهها و مساجد در این شهر ساخته شد. آنچه امروزه بر اهمیت این شهر می‌افزاید، قرار داشتن بقعه پاک دو امام معصوم و برخی از افراد خانواده ایشان می‌باشد.

حرم مطهر امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیهما السلام (تاریخ شهادت: سال ۲۵۴ ه.) و امام یازدهم امام حسن بن علی عسکری علیهما السلام (تاریخ شهادت: ۲۶۰ ه.) قلب شهر امروزی را تشکیل می‌دهد، این بقعه در دوران زندگانی دو امام علیهما السلام خانه مسکونی آنان بود، و پس از شهادت در آنجا دفن شده‌اند. نخستین ساختمان برآرامگاه آنان، از قرن چهارم هجری است که تا کنون همواره تجدید و ترمیم شده و توسعه یافته است. این حرم مطهر دارای گنبدی است که یکی از بزرگترین گنبدها در جهان اسلام است، محیط این گنبد طلایی عظیم، ۶۸ متر است که در آن ۷۲ هزار کاشی طلا به کار رفته است. در دو سمت این گنبد دو گلدسته طلایی زیبا قرار دارد که هر یک دارای ۳۶ متر طول است.

گنبد کنونی در سال ۱۲۰۰ ه. بر جای گنبد کهنی که ناصر الدوله حمدانی در سال ۳۳۳ ه. آن را ساخته بود بنا گردید. در زیر گنبد حرم مطهر، ضریح نقره‌ای زیبایی قرار دارد که ساخته هنرمندان اصفهانی در سالهای دهه ۶۰ میلادی است. درون ضریح آرامگاه دو امام معصوم و «حکیمه خاتون» دختر حضرت جواد و عمه امام عسکری است که شاهد ولادت امام زمان «عج» بوده است. این بانو زنی پرهیزکار و مورد احترام چهار امام معصوم بوده است و دیگری «نرگس خاتون» همسر امام حسن عسکری علیه السلام و مادر امام زمان است.

## شاخص‌های مکتب سیاسی امام

### خدمت‌خستگی‌ناپذیری

دولت در هر دوره‌ای، دولت مردم است؛ نشان‌دهنده‌ی خواست مردم و جهت‌گیری مردم است... دولت... شاخصه‌اش عبارت است از تصمیم قاطع بر خدمت‌خستگی‌ناپذیری به مردم، به میدان آوردن همه‌ی توان خود و پُررنگ کردن هدفهای بلند انقلاب. اینها مشخصه‌های این دولت است. این دولت با تکیه بر شعارهای انقلاب و شعارهای امام بزرگوار، بر آن است که همه‌ی توان خود را به میدان بیاورد؛ با همه‌ی وجود کار کند؛ گره‌های زندگی مردم را باز کند؛ زیرساختهای کشور را هر چه زودتر و هر چه بهتر و جامع‌تر به وضعیت مطلوب برای پیشرفت‌های آینده بسازد و در عرصه‌ی بین‌المللی بر استقلال ملی و عزت ملت ایران تکیه کند.

### بیانات در حرم مطهر رضوی

۱۳۸۵/۱/۱



### استکبارستیزی

استکبارستیزی - که معنای ویژه‌ی انقلابی خودش را دارد - در این دولت تشخیص و تمییز پیدا کرد. معنای استکبارستیزی دشمنی کردن با دولتهای دنیا نیست، معنایش دشمنی کردن با استکبار است. استکبار - از هر دولتی و از هر نظامی سر بزند - آفت برای بشریت است. البته امروز آمریکا و صهیونیسم مظهر استکبارند؛ لیکن هر جا، هر کس، هر دولتی و هر مجموعه‌ای که نسبت به دیگران استکبار بورزند، آفتی در جامعه‌ی بشری و در نظام زندگی انسان به وجود می‌آورند. سستی‌های با این حالت هم یک حالت مطلوب اسلامی است. این هم یکی از خصوصیات این مجموعه است که خوشبختانه برجسته است.

### دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت

۱۳۸۷/۰۶/۰۲



### در مقابل زورگویی افزون‌طلبی دشمنان

یکی از مظاهر دفاع از عزت هم همین مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، برای ما فقط این نبود که ما می‌خواستیم یک فناوری داشته باشیم، دیگران می‌خواستند ما نداشته باشیم؛ این فقط بخشی از قضیه است. بخش دیگر قضیه این بود که قدرتهای گوناگون، پُرو، متجاوز، زورگو و دنباله‌ها و اقمار بی‌ارزش آنها، می‌خواستند حرف خودشان را در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کنند. خوب، ملت ایران، دولت شما و شخص رئیس‌جمهور، در مقابل این زورگویی و این تحمیل و این افزون‌طلبی ایستادید؛ خدای متعال هم کمک کرد؛ پیش رفتید. اینها آن بخشها و اجزاء گفتمان عمومی این دولت است که برای من اهمیت دارد.

### دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت

۱۳۸۷/۰۶/۰۲

در شمال برج و باروی مسجد و در فاصله ۲۵ متری آن ساخته شده است. ساختمان این گلدسته مخروطی شکل است که بر قاعده‌ای مربع به طول ۳۲ متر قرار دارد.

این ماذنه بر خلاف سنت تمام گلدسته‌ها، که راه رسیدن به بام آن از پله‌هایی است که درون ماذنه تعبیه شده، از بیرون آن می‌باشند، از این رو پله‌ها گرداگرد سطح بیرونی گلدسته را دور زده و به بام آن که در ارتفاع ۵۲ متری از زمین است می‌رسد. بنا به روایت مورخان، متوکل مبلغ ۵ میلیون درهم برای ساختمان این مسجد هزینه کرده است.

توکلیه، شهر کهن سامرا است که از سوی متوکل عباسی ساخته شد و امروزه خرابه‌های این شهر در فاصله کوتاهی از شمال سامرا نمایان است. از ویژگی‌های این شهر، خیابان‌کشی‌های منظم و مستقیمی است که نمونه آن در دیگر شهرها کمتر یافت می‌شود. در بخشی از این شهر مسجدی به نام «جامع ابی دلف» وجود دارد.

امع ابی دلف، نمونه کوچکتر مسجد جامع متوکل است به ابعاد ۱۳۸ متر با بارویی به ضخامت ۶۰/۱ متر. این مسجد دارای ۱۸ دروازه است. گلدسته این مسجد شبیه ملویه است، با این تفاوت که ارتفاع آن ۱۹ متر می‌باشد. این مسجد به نام قاسم بن عیسی عجلی مشهور به ابو دلف (متوفای ۲۲۶ هـ) نامگذاری شده که از فرماندهان عباسی و از شیعیان معتقد بشمار می‌رفته است. صرهای سامرا، خلفای عباسی که به سامرا نقل مکان کردند، همگی مشهور به فسق و فجور و برگزاری مجالس جشن و سرور و شادمانی بودند، از این رو، اقدام به ساختمان کاخهای سرسبز و خوش آب و هوای متعددی در جای جای این شهر و در کناره‌های رودخانه دجله کردند که امروزه تنها از آن کاخها دیوارهای فرو ریخته و ستونهای ویرانه باقی مانده است. نام برخی از کاخها در سمت شمال غربی مسجد جامع متوکل و در شهر المتوکلیه:

قصر الجعفری، قصر العروس، قصر المختار، قصر الوحید، قصر الجعفری المحدث، قصر الغریب، قصر الصبح، قصر الملیح، قصر بستان الایتاخیه، قصر التل، قصر الجوسق، قصر برکوار، قصر القلائد، قصر الغرد، قصر المتوکلیه، قصر البهو، قصر اللؤلؤه و...

بنا به روایت مورخان حد اقل هزینه ساختمان هر یک از این قصرها، متجاوز از پنج میلیون درهم بوده است.

درون حرم و قسمتهایی از رواقها به طرز زیبایی آینه کاری شده و از یادگارهای ملک فیصل اول پادشاه هاشمی عراق است و به وسیله ایوانی فراخ و سقف دار به صحنی که گرداگرد حرم را فرا گرفته راه می‌یابد. از ویژگیهای این صحن آن است که فاقد حجره می‌باشد. در زاویه شمال غربی صحن مطهر، مجموعه‌ای متشکل از صحن و ایوان و مسجدی بزرگ با گنبدی کاشی کاری شده قرار دارد که به «مجموعه غیبت» مشهور است. در زیر این مجموعه زیر زمینی است که به «سرداب غیبت» شهرت دارد، و نیز این مجموعه بخشی از خانه مسکونی حضرت عسکری بوده است که در این زیر زمین به عبادت می‌پرداخته و پس از او محل اقامت امام زمان علیه السلام بوده است. این محل از دیر باز مورد توجه شیعه بوده است و از آن جهت که عبادتگاه سه امام بوده، از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است. گفتنی است که به وسیله پله‌هایی می‌توان به زیر زمین رسید. فضای اصلی و کهن زیر زمین عبارت است از تالاری مربع مستطیل به ابعاد ۳ متر. در شرق این تالار فضایی است که پنجره‌ای از چوب دارد و محل عبادت امام علیه السلام بوده است. پنجره این نمازخانه یکی از با ارزشترین قطعات باقی مانده از دوران عباسیان است و دارای کتیبه‌ای کهن می‌باشد. این پنجره به دستور الناصر لدین الله عباسی (که از خلفای علاقمند به اهل بیت علیهم السلام بود) در سال ۶۰۶ هـ ساخته شده است. در کاشی کاری درون این بقعه نام ناصر الدین شاه قاجار ثبت شده است که در سفر عتبات خود به زیارت این جایگاه تشریف یافته است.

خدمات سرداب در داخل این بقعه کوچک حفره‌ای تعبیه کرده اند و از آن به زائران خاک می‌دهند که فاقد هر گونه توجیه و دلیل شرعی است. کاشیکاریهای صحن و سر درهای ورودی از دوره قاجاریه است.

### آثار تاریخی سامرا:

مسجد جامع سامرا، به «جامع المتوکل» مشهور شده و از ساختمانهای یکی از پلیدترین خلفای عباسی، یعنی متوکل عباسی (۲۴۷-۲۳۲ هـ) است. این مسجد یکی از عظیم‌ترین مساجد جهان اسلام در آن دوره بشمار می‌رفته. امروزه فقط ماذنه و دیوارهای آن باقی است که همین دو نیز دلیل بر عظمت این ساختمان است.

ابعاد دیوارهای مسجد ۱۶۰ × ۴۰ متر است آنچه بر اهمیت معماری این مسجد می‌افزاید گلدسته آن است که به «ملویه» شهرت دارد و



## شام سرزمین پیامبران (ع)

# حرم حضرت رقیه (س)

سید ابراهیم سیدعلوی

در قبرستان معروف به باب الصغیر دمشق، مقبره و مشهدی دیدم که در کتیبه بالای در آن نوشته شده بود: اینجا محل دفن سر عباس بن علی و سر علی اکبر (ع) و سر حبیب بن مظاهر است. ولی بعداً تعمیرات و تغییراتی در آن داه شد. به هر حال در مزار کنونی، سر شانزده شهید هاشمی زیارت می‌شود و گفته می‌شود که همه آنها در آن مکان مدفونند.

### سکینه دختر حسین (ع)

حضرت سکینه بانویی بوده با جلال، ادیب و شاعر که گاهی داوری در زمینه بهترین شعر و برگزیده شاعران به او واگذار می‌شده است.

رقیه (س) دختر حسین بن علی، سید الشهداء (ع) بوده که پس از واقعه کربلا، همراه اسرای اهل بیت به کوفه و سپس به شام آورده شدند. رقیه چهار سال پیش نداشت و پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسین (ع)، برای او بسیار بی‌تابی می‌کرد و بانوان حرم حسینی به سختی او را آرام می‌کردند. وقتی اهل بیت را در خرابه جا دادند، این طفل، پدر را در خواب دید و بهانه پدر گرفت و گریه و زاری بسیار کرد. یزید از علت سر و صدا پرس و جو نمود، جریان را به او گزارش کردند. گفت: سر امام را برای وی ببرند و در کنارش نهند تا آرام بگیرد. وقتی سر مقدس را جلو او گذاشتند، پرسید این چیست؟ گفتند: سر بابای تو است، آن دختر فریادی کرد و رنجور شد و جان به حق تسلیم نمود.

هم اکنون مزاری در همان محل شهادت و دفن آن طفل معصوم، برجاست که مورد توجه علاقمندان اهل بیت رسالت می‌باشد و شیعیان از اطراف عالم، با علاقه و عقیده خاص، به زیارت آنجا می‌روند. این حرم در داخل شهر دمشق و نزدیک مسجد جامع اموی است.

### باب الصغیر

باب الصغیر، گورستانی است در دمشق که نفراتی از خاندان رسول (ص) و برخی همسران و جمعی از دانشمندان مسلمان در آن مدفونند؛ از جمله قبر ابن عساکر مورخ معروف و نویسنده تاریخ دمشق در این مکان است. باب الصغیر به سبب انتساب برخی مقابر آن به اهل بیت پیامبر (ص)، مورد توجه زائران شیعی و ایرانی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: مقبره رؤوس شهدا گرچه در مورد سر مقدس امام حسین (ع) اختلاف نظر وجود دارد که در کجا مدفون است؛ در کربلا، مدینه، دمشق و یا جای دیگر؟ لیکن در سرهای مقدس دیگر شهدا که به شام آورده شده‌اند، ظاهراً تردیدی نیست که در دمشق به خاک سپرده شده‌اند. سید محسن امین می‌نویسد: به سال ۱۳۲۱ هـ. ق.

حضرت سکینه (ع) زنی شجاع و بی باک بوده، ابن عساکر می نویسد: هنگامی که مروان بن حکم، علی بن ابیطالب (ع) را ناسزا می گفت: حضرت سکینه بی باکانه مروان و پدر و جد او را نفرین و لعن می کرد. مادر سکینه رباب دختر امرء القیس مشهور است که خود بانویی فاضله بوده و اشعاری در خصوص حادثه کربلا و حسین (ع) از او منقول است.

امام حسین (ع) نیز احترام سکینه، دخت گرامیش را بسیار نگاه می داشت و در مهر و محبت آن امام رؤوف و مهربان، اشعار ذیل که به او منسوب است، شاهد مناسبی است.

« به جانم سوگند، من خانه ای را که سکینه و رباب در آن باشند و آن خانه، ایشان را پذیرا باشد دوست می دارم. »

« من به آنان مهر می ورزم و داراییم را به ایشان می بخشم و سرزنش احدی را در این مورد توجّه ندارم. »

« و تا زنده ام، هر گز به ملامت ملامتگران اعتنا نمی کنم تا از جهان خاکی رخت بریندم. »

حضرت سکینه (س) پس از آن که به سن رشد و بلوغ رسید با پسر عمویش عبدالله بن حسن ازدواج کرد.

در مقبره منسوب به حضرت سکینه، ضریحی وجود دارد از چوب درخت گردو که آیه الکرسی به خط کوفی در جانب آن حک شده است.

#### ام کلثوم دختر حضرت علی (ع):

در مقبره حضرت سکینه (س) قبر دیگری است منسوب به ام کلثوم

دختر امیر المؤمنین علی (ع) و به گفته مورخان، علی (ع) دارای

دو دختر از فاطمه زهرا (س) بوده یکی زینب کبری (س) و

دیگر زینب صغری یا ام کلثوم (س) که او نیز در کربلا

حضور داشته و در ایام اسارت اهل بیت جزو اسیران

بوده است و همانند خواهر بزرگش، زنی فصیح و

بلیغ بوده و سخنرانی او در مجلس ابن زیاد مشهور

است.

برخی گویند: ام کلثوم در مدینه در گذشته و در

بقیع به خاک سپرده شده و به گفته برخی دیگر: آن

بانو دوباره به شام سفر کرده و در دمشق در گذشته

و در باب الصغیر در همان مقبره مدفون گشته است

بلال: بلال، مؤذن رسول الله (ص) از دیر باز به پیامبر ایمان آورد. بلال برده سیاهی بود که توسط مشرکین مکه شکنجه می شد تا خدای محمد (ص) را منکر شود و لات و عزی را پرستد لیکن او استقامت نشان می داد و با گفتن «احد» «احد» بر عقیده اش پایداری نشان می داد.

بلال، نخست مؤذن پیامبر (ص) بود و در سفر و حضر برای او اذان می گفت و علاوه بر آن، خزانه دار بیت المال و مامور زکات هم بود. روزی بلال دیر کرد و وقت اذان گشت وقتی آمد، پیامبر (ص) از علت تاخیر سوال کرد، بلال گفت به مسجد می آمدم بر فاطمه زهرا (س) گذر کردم، او برای پختن نان، گندم آسیاب می کرد و حسن (ع) می گریست. گفتم: کدام را دوست می دارید، پسران را برایتان نگاه دارم یا گندم آرد کنم؟ فاطمه زهرا (س) فرمود: بهتر است من بچه را نگاه داری کنم و تو گندم آرد کنی. من شروع به کار کردم لذا به اذان نرسیدم. پیامبر (ص) فرمود تو به فاطمه (س) محبت کردی. خداوند تو را مورد لطف و محبت خویش قرار دهد.

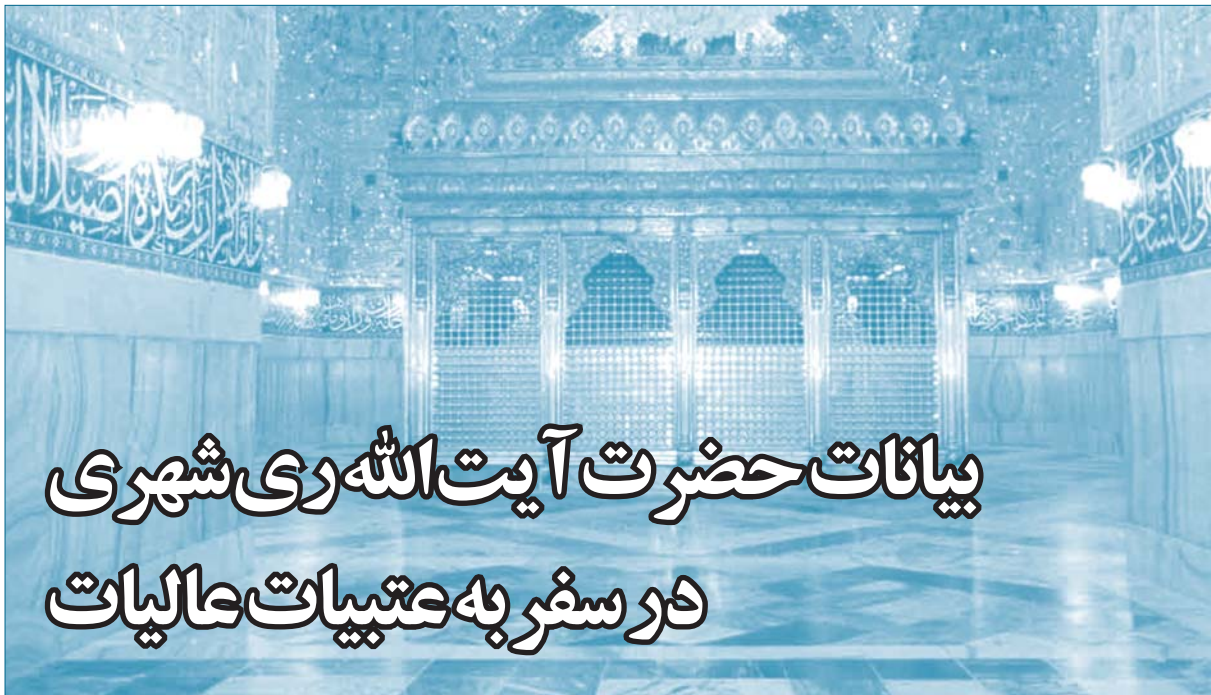
پیامبر (ص) در روز فتح مکه به بلال فرمود بر پشت بام کعبه رود و اذان بگوید و او چنان کرد، بلال پس از رحلت پیامبر (ص) برای احدی اذان نگفت جز یک بار که به خواهش فاطمه زهرا (س) اذان گفت اما وقتی در اذان نام حضرت محمد (ص) را برد، فاطمه (س) یاد پدر کرد و از حال رفت. به بلال اطلاع دادند و او فوراً اذان را قطع کرد و دیگر هرگز اذان نگفت.

بلال پس از وفات پیامبر (ص) به شام رفت و

به سال بیست هجرت در دمشق وفات

یافت و در باب الصغیر به خاک

سپرده شد.



## بیانات حضرت آیت الله ری شهری در سفر به عتبات عالیات

با راننده‌ها به طور موردی می‌شود برخورد کرد ولی با همه راننده‌ها نه. این که تصور بکنیم که هر راننده‌ای که می‌آید عابد و مقدس و خوش اخلاق باشد خیلی خوب است و عملاً مطلوب است ولی مقدور نیست. البته باید با راننده بد برخورد شود تا راننده‌های دیگر عبرت بگیرند. به نظر من چیزی که مشکل‌تر از همه است و به کمک شما و امثال شما حل خواهد شد، تحول در مدیحه سرایی و سخنرانی است که ابزارش دست ماست که این موضوع را در جلسه عتبات در قم که آقایان روحانیون حضور داشتند، گفتم. مصائبی که خوانده می‌شود و ذکر مصیبت‌ها که خوانده می‌شود، دست ماست. روضه‌ای که خوانده می‌شود، مصیبت‌ها که خوانده می‌شود، مستند باشد، اینطور نباشد که شما از دیگران بگیرید و بخوانید اگر بخواهیم مطالبی را به حضرت علی(ع)، به پیامبر(ص)، به حضرت فاطمه(س) نسبت دهیم باید مطمئن باشیم که چنین حرفی را حضرت فاطمه(س) و یا حضرت زینب(س) زده است. این مسئله را باید جواب گو باشیم. کتاب‌های روایتی ما زیاد است. انشاء... دانشنامه امام حسین(ع) و مقتلش منتشر خواهد شد که مداحان و روحانیون داشته باشند، نه این که هر چه انسان در ذهن دارد بخواند. این مسئله به نظر من مصیبت بار تر است. به قول شیخ عباس قمی: «امروز باید برای امام حسین(ع) گریه کرد که مصیبت‌هایی برای حضرتش و بچه‌هایش خوانده می‌شود و در هیچ جای معتبری وجود ندارد.» یکی از توصیه‌های مؤکد مقام معظم رهبری، روحوانی و مستند خوانی و کتاب‌هایی که در دسترس است.

کتاب فرهنگ نامه مرثیه سرایی را بگیرید و بخوانید. در آن جا نشان دادیم که چه چیزهایی قابل خواندن است و چه چیزهایی نیست. به نظر من باید برای همه این‌ها برنامه ریزی داشته باشیم. در این جا معاونین من حضور دارند و تا آن جا که در توان داریم انجام خواهیم داد... مردم ما علاقمندند و این همه انفجارات را می‌بینند و می‌شنوند ولی باز هم می‌آیند و این علاقه است و ما هم باید تلاش کنیم که جلوی مشکلات را بگیریم. این طور نیست که ما تعطیل کنیم و مردم نیابند، ولی باید پیرامون اصل وظیفه که «فرهنگ مرثیه سرایی» است تلاش شود.

در سفر حضرت آیت الله محمدی ری شهری به عتبات مقدسه، ایشان در جمع مداحان و روحانیون کاروان‌های حاضر در نجف در محل آرامگاه کاشف الغطاء بیاناتی را فرمودند که خلاصه آن تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد:

خداوند متعال را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد به زیارت عتبات مقدسه مشرف شویم و به طور مستقیم و مباشر با شرایط موجود آشنا شویم. البته گزارشات مرتب به تهران فرستاده می‌شود و مرتباً در جریان قرار می‌گیریم ولی شنیدن مشکلات از زبان شما ما مفهوم خاص خودش را دارد که قابل پیگیری است.

جناب آقای حسینی به عنوان مسئول جدید بعثه مقام معظم رهبری در عراق معرفی می‌شوند که ایشان سه سال نماینده ما در عربستان بودند. حضور ایشان نشانه این است که سرمایه گذاری بیشتر می‌شود در ایجاد تحول در عتبات و اولین کاری که ایشان باید بکنند استقرار تشکیلات در کربلا و نجف است که با یک تشکیلات منسجم می‌شود اقدامات قوی را پی ریزی کرد و اجرا نمود. قبل از هر چیز نیاز به جای مناسب دارد که بتواند کارها را در آنجا پیگیری کند و این جا، جای مناسب نیست و شما کمک کنید و آقای اکبری و آقای صبا جایی خریداری و یا اجاره کنند و در کربلا هم جایی برای امور فرهنگی تهیه شود. نمایندگان معاونت نظارت بعثه در اینجا استقرار پیدا کنند و گزارشات روحانیون و مداحان مثل مکه هر هفته تهیه شود و آنچه که در اینجا قابل رفع است انجام و بقیه از طریق مرکز پیگیری شود.

مشکلات اینجا خیلی زیاد است ولی در مجموع یک مدیریت مطلوب در اداره حج و زیارت مطرح است و یک مدیریت مقدور. آنچه که بر ما وظیفه است ساماندهی یک مدیریت مقدور است. یک چیزهایی است که خیلی مطلوب است ولی مقدور نیست، همه اشکالات وارد است و صحیح و لیکن اینجوری نیست که همه چیز دست ما باشد و با برنامه ریزی ما قابل حل باشد. البته بخشی قابل حل است و لیکن بخشی دست ما نیست. ایجاد امنیت دست ما نیست، اینجا شرایط خاصی دارد.



# آنچه شیعه و سنی باید بدانند

(تخریب آثار تاریخی اسلامی توسط وهابیون)

The  
Wahhabi

ولی در سال ۱۳۴۴ ه. ق. وهابیت دوباره به قدرت رسید. در نتیجه از ۱۸ رمضان آن سال زیارت را ممنوع کرد و با تهدید علمای مدینه حکم تخریب قبور ائمه بقیع را گرفت. بالاخره در ۸ شوال آن سال با غارت اماکن مقدس مردم مدینه را مجبور کرد تا در تخریب این اماکن و حرم ها شرکت کنند. آنها می خواستند که قبر پیامبر اکرم (ص) را در آن سال ها تخریب کنند ولی به خاطر خواب و وحشتناکی که ابن سعود دیده بود منصرف شدند.

- تخریب حرم مطهر امامین عسگرین در سامرا
- تخریب حرم امام حسین (ع)
- تخریب حرم همسران پیامبر
- تخریب حرم عبدالله پدر پیامبر
- تخریب حرم دختران رسول خدا
- تخریب حرم اجداد پیامبر عبدمناف و هاشم و عبدالمطلب
- تخریب حرم بستگان ائمه و رسول خدا تخریب حرم مادر پیامبر
- تخریب حرم ام البنین تخریب حرم آمنه بنت وهب و مادر پیامبر اکرم (ص)
- تخریب مسجد و ضریح علی بن امام صادق (ع)
- تخریب حرم ابراهیم پسر پیامبر که در زمان رسول خدا ساخته و خود رسول خدایا داستان خودشان آن را تعمیر نمودند و عثمان بن مظعون
- تخریب حرم ابوطالب یار باوفای پیامبر و فاطمه بنت اسد که پیامبر شخصاً آن را ساخته بود و زیارت گاه قرار داد
- تخریب حرم اصحاب رسول خدا همچون

از زمانی که وهابیت توسط محمد بن عبدالوهاب تأسیس شد، تا این زمان جنایات بسیاری توسط آن ها انجام پذیرفت. بسیاری از زنان و کودکان بی گناه به وضع فجیعی کشته شدند و بسیاری از مکان های مورد احترام مسلمین در این راستا تخریب شدند. این آثار و اماکن تاریخی که بیانگر فرهنگ و تمدن اسلامی بود به واسطه ی تحجر و کوته فکری فرقه ضاله وهابیت ویران شد:

## تخریب بارگاه ائمه بقیع در قبرستان بقیع

برخی از مورخان و شاهدان عینی مانند جهانگرد مستر ریتر می گوید: مدینه همانند شهر زلزله زده شده بود. تمام اماکن مقدس و زیبای مسلمانان به دست وهابیون ویران شد و نشانه های قبور مخصوصاً در بقیع از بین رفت. وهابیون سالها بوسیله ی سگ ها و چارپایان و دیگر رفتارهای زشتشان به قبور ائمه و شهدا و اولیای خدا اهانت می کردند. بقیع را محل زباله های خود کرده بودند. این ادامه داشت تا خبرها به دیگر مسلمانان جهان رسید تا آنکه در سال ۱۲۲۷ ه. ق. وهابیون شکست سختی از عثمانی خوردند. در نتیجه بقیع ساخته شد.

مانند جابر بن عبدالله و مقداد و اسامه و سعد بند معاذ و بیست نفر دیگر از صحابه ایشان

- تخریب مسجد جوانا اولین مسجدی که بعد از مسجد النبی در آن نماز جمعه برگزار شد.  
- تخریب مسجد رذالشمس؛ همان مسجدی است که در آن خورشید به دستور پیامبر (ص) و به اذن خدا به وسط آسمان آمد تا حضرت علی (ع) نماز عصرش را در زمان فضیلتش به جا آورد.

- تخریب مسجد سلمان  
- تخریب مسجد البغله  
- تخریب مسجد تنیه الوداع  
- تخریب مسجد الرایة (پرچم)؛ مکانی در کوه ذباب بود که پیامبر خدا (ص) از آنجا بر کندن خندق نظارت می کردند

- تخریب مسجد حضرت عباس بن علی (ع) در روستای مطیفی در احساء  
- تخریب مسجد عتبای بن ملک که مصلاهی رسول خدا (ص) بود

مسجد جوانان در احساء، دومین مسجدی که پس از مسجد رسول الله در آن نماز جمعه برگزار شد

- تخریب حرم مطهر شهدای احد و حمزه سیدالشهدا (ع) عمو و برادر رضایی پیامبر (ص)؛ پیامبر (ص) در داغ عمومی بزرگشان فرمود: از این روز سخت تر در زندگی شان نخواهند داشت.

\*\*\*

حرم مطهر شهدای فح که به فرماندهی حسین بن علی (ع)، نسل چهارم امام مجتبی (ع) صورت پذیرفت. این واقعه ۱۰۸ سال بعد از واقعه ی کربلا علیه بنی عباس اتفاق افتاد که امام جواد (ع) در وصف آن مصیبت عظیم می فرماید: بعد از واقعه ی کربلا هیچ کشتاری عظیم تر از واقعه ی فح نبود.

- تخریب حرم شهدای حره که دو سال بعد از واقعه کربلا و حمله ی یزید به مدینه در دفاع از مدینه الرسول به دست سپاه انبوه شام به شهادت رسیدند و بعد از شهادت آنان، به مدینه حمله کردند و موجب شد تا هزاران تن از مردم مدینه در خون خود غلط بزنند.

تخریب نشانه ورود و خروج فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین پس از تولد آن حضرت از کعبه

- تخریب مقبره حضرت عیسی (ع) از پیامبران الهی در روستای اوچام در فطیف تخریب قبور شهدای بدر که بنای یادبود آن به دست شخص رسول خدا ساخته شده بود.

- تخریب مصلاهی رسول خدا (ص) در کنار کعبه

تخریب خانه حضرت خدیجه (س) که جایگاه نزول وحی و محل تولد حضرت زهرا (س) و محل ازدواج رسول خدا (ص) و محل رحلت حضرت خدیجه (س) و محل زندگی پیامبر (ص) تا روز هجرت بود. در این خانه اتاقی بود که خزینه ی حضرت خدیجه (س) بود که همه وقف اسلام شد. بعد از هزای اطهر در این اتاق می نشست و شخصاً گندم آسیاب می کرد و نان می پخت و سختی ها را متحمل می شد. اتاق دیگر این خانه محل عبادت رسول خدا (ص) و محل نزول وحی بود. اتاقی هم برای رسیدگی به امور مسلمین در آنجا وجود داشت.

- تخریب خانه ی حضرت زهرا (س) در مکه

- تخریب خانه حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) در مدینه که محل حضور مکرر حضرت رسول خدا (س) و محل ولادت امام حسن (ع) و امام حسین (ع). همچنین محل نزول آیه ی تطهیر و حدیث کساء

- تخریب خانه امام سجاد (ع)

- تخریب خانه امام صادق (ع) که سابقاً منزل حارثه بن نعمان بود و محل ازدواج های پیامبر (ص)

- تخریب خانه حمزه (ع)

- تخریب خانه ی تولد حضرت رسول خدا (ص) در پشت کوه صفا

- تخریب خانه ام هانی محل شروع معراج پیامبر (ص)

- تخریب خانه ابویوب انصاری اولین اقامتگاه پیامبر (ص) در مدینه که حدود هفت الی دوازده ماه محل نزول وحی بود تا مسجد قبا و اتاقهایش ساخته شود

- تخریب خانه ارقم (دارالخیزران) در دامنه کوه صفا؛ پناهگاه رسول خدا (ص) و نقطه آغاز نشر و گسترش احکام اسلام و اولین عبادتگاه مسلمین در مکه

- تخریب بیت الاحزان و گنبد بالای آن؛ بیت الاحزان خانه ای است که حضرت زهرا (س) در آنجا به سوگ پدرش می گریست.

- تخریب بارگاه های متعدد در قبرستان بقیع

خانه ام المؤمنین حضرت خدیجه بنت خویلد در مکه مکرمه

- تخریب مقبره ی حضرت خدیجه (س) تخریب جایگاه شق القمر

- تخریب جایگاه عهد نامه مشهور رسول خدا (ص) با مشرکان که آن عهدنامه توسط موریانه خورده شد به جز بسم الله

- تخریب محله و کوچه ی بنی هاشم

- تخریب خندقی که در جنگ خندق به دست مسلمین کنده شده بود

- تخریب دیوار دور شهر مدینه که توسط عضدالدوله دیلمی بنا شده بود

- تخریب شعب ابی طالب جایگاه نفس الزکیه در مکه مکرمه

- تخریب جاده ای که غار حراء را به مسجد الحرام وصل می کرد

- تخریب حرم حلیمه دایه ی پیامبر (ص)

- تخریب حرم ابوذر و ربذه

- تخریب قبرستان المعلی در مکه مکرمه که بارگاه و مقبره برخی از اهل بیت عليهم السلام و یاران پیامبر در آن قرار دارد.

- تخریب حرم حضرت حوا (س)

- تخریب جاده غار ثور که حکایت تخم کیوتر و تار عنکبوت آن معروف است و صدها آثار دیگر اسلامی که توسط وهابیون تخریب شد. نکته قابل توجه اینکه این ویرانگری های آثار تاریخی اسلامی، در حالی صورت می گیرد که رژیم سعودی و وهابیان از آثار یهودیان در مدینه منوره حافظت و نگهداری می کنند؛ و با نصب تابلوهای هشدار دهنده مردم را از نزدیک شدن به آنها باز می دارند.

منابع:

کتاب کشف الارنیاب

کتاب کربلا شهر حسین (ع)

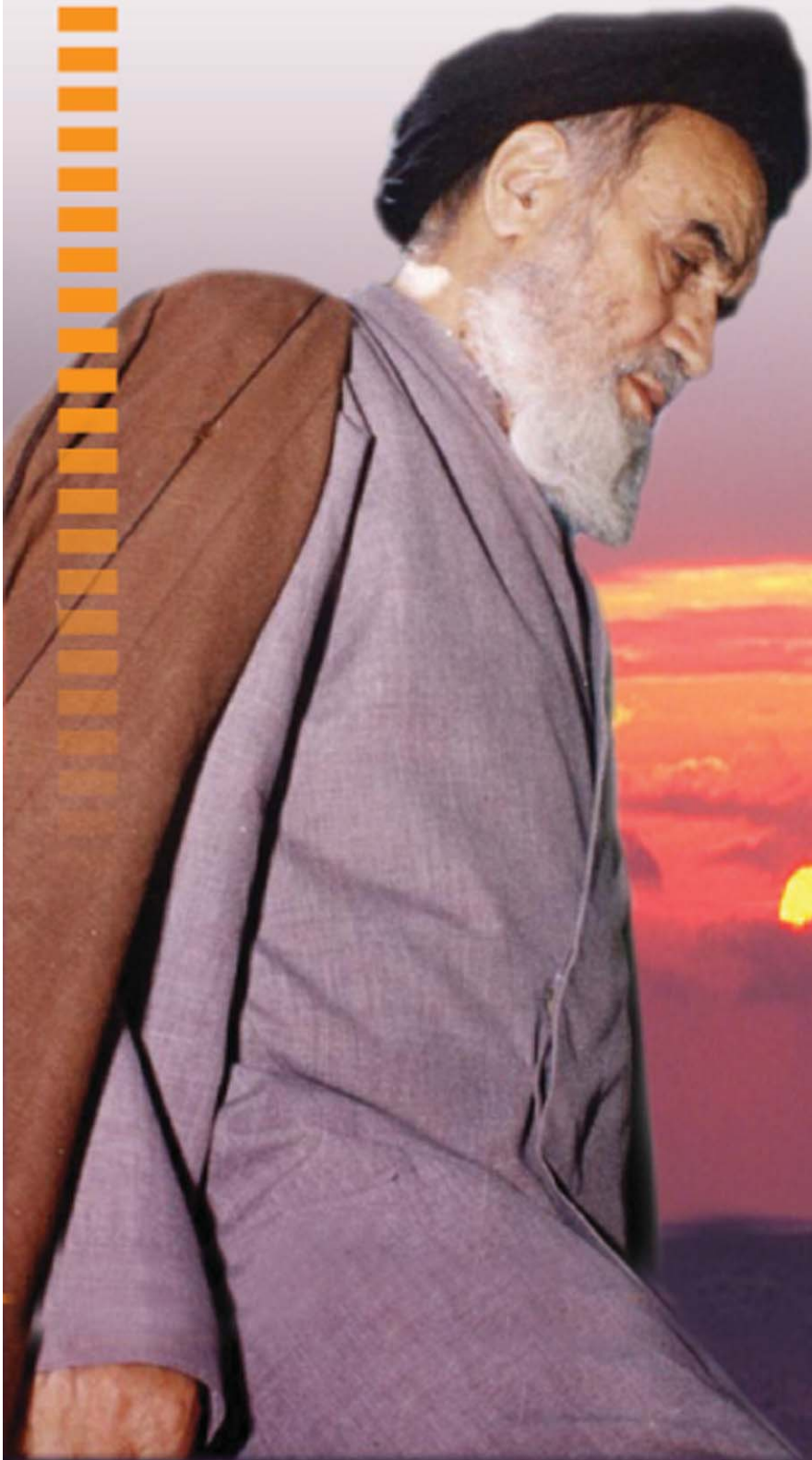
سایت تبیان

سایت شهید آوینی

مجله مظلوم و غریب بقیع

کتاب آثار اسلامی مکه و مدینه

# السلام عليك يا روح الله



# از ظهور تا عروج روحی که کالبد زمان را دگرگون کرد

## □ از ولادت تا هجرت

در روز بیستم جمادی الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده‌ای از اهل علم و هجرت و جهاد و از سلاله زهراى اطهر(س) پای بر خاکدان طبیعت نهاد. امام خمینی از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت رو به رو شد. وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مومنه‌اش بانو هاجر که از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیت‌الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف) بود و همچنین نزد عمه مکرمه‌اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حق‌جو بود سپری کرد اما در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم شد.

## □ هجرت به قم

اندکی پس از هجرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبد‌الکریم حایری یزدی (ره) در نوروز ۱۳۰۰ هـ. ش (رجب المرجب ۱۳۴۰ هـ. ق) امام خمینی که جوانی نوزده ساله بود برای ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه قم شد و به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی را نزد اساتید حوزه قم طی کرد.

امام خمینی که با دقت شرایط سیاسی جامعه و وضعیت حوزه‌ها را زیر نظر داشت و اطلاعات خویش را از طریق مطالعه مستمر کتب تاریخ معاصر و مجلات و روزنامه‌های وقت و رفت و آمد به تهران و درک محضر بزرگانی همچون آیت‌الله مدرس تکمیل می‌کرد در یافته بود که تنها نقطه امید به راهی و نجات از شرایط ذلت‌باری که پس از شکست مشروطیت و به خصوص پس از روی کار آوردن رضاخان پدید آمده است، بیداری حوزه‌های علمیه و پیش از آن تضمین حیات حوزه‌ها و ارتباط معنوی مردم با روحانیت است.

## □ امام خمینی در سنگر مبارزه و قیام

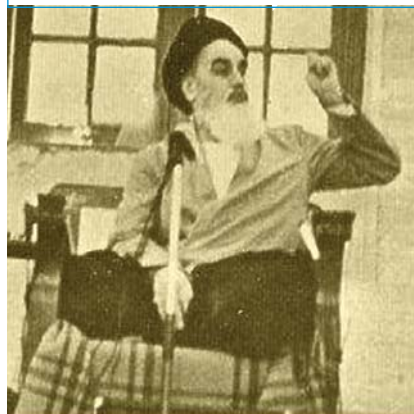
در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی فرصتی پدید آورد تا ایشان در رهبریت قیام و روحانیت ایفای نقش کند و بدین ترتیب قیام سراسری روحانیت و ملت ایران در ۱۵

خرداد سال ۱۳۴۲ با دو ویژگی برجسته یعنی رهبری واحد امام خمینی و اسلامی بودن انگیزه‌ها، و شعارها و هدف‌های قیام، سرآغازی شد بر فصل نوین مبارزات ملت ایران که بعدها تحت نام انقلاب اسلامی در جهان شناخته و معرفی شد.

نقش حضرت امام در روشن ساختن اهداف واقعی رژیم شاه و گوشزد کردن رسالت خطیر علما و حوزه‌های علمیه در این شرایط بسیار مؤثر و کارساز بود. تلگراف‌ها و نامه‌های سرگشاده اعتراض‌آمیز علما به شاه و اسدالله علم موجی از حمایت را در اقصای مختلف مردم برانگیخت. لحن تلگراف‌های امام خمینی به شاه و نخست‌وزیر تند و هشدار دهنده بود.

بدین ترتیب ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی تجربه‌ای پیروز و گراند قدر برای ملت ایران به ویژه از آن جهت بود که طی آن ویژگی‌های شخصیتی را شناختند که از هر جهت برای رهبری امت اسلام شایسته بود، با وجود شکست

**امام خمینی در اجتماع مردم، بی‌پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و هم‌پیمان با رژیم اشغالگر قدس یاد می‌کرد و مردم را به قیام فرا می‌خواند**



شاه در ماجرای انجمن‌ها، فشار امریکا برای انجام اصلاحات مورد نظر ادامه یافت. شاه در دی‌ماه ۱۳۴۱ هجری شمسی اصول ششگانه اصلاحات خویش را بر شمرد و خواستار رفراندوم شد. امام خمینی بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره‌جویی فراخواند.

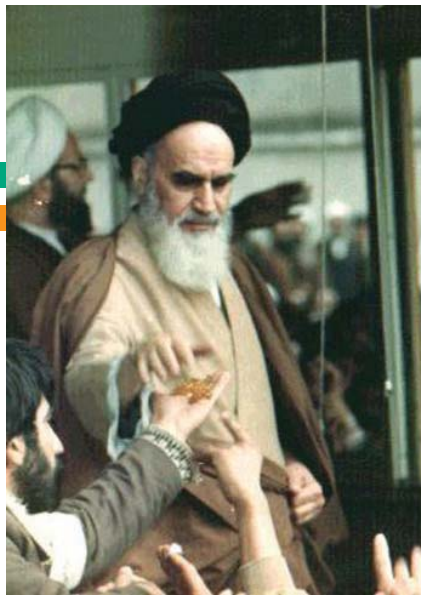
با پیشنهاد امام خمینی عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه حضرت امام از انقلاب سفید شاه به انقلاب سیاه تعبیر و همسویی شاه با اهداف امریکا و رژیم صهیونیستی افشا شده بود. از سوی دیگر، شاه در مورد آمادگی جامعه ایران برای انجام اصلاحات امریکا به مقامات واشنگتن اطمینان داده و نام اصلاحات را انقلاب سفید نهاده بود. مخالفت علما برای وی بسیار گران می‌آمد.

امام خمینی در اجتماع مردم، بی‌پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و هم‌پیمان با رژیم اشغالگر قدس یاد می‌کرد و مردم را به قیام فرا می‌خواند. او در سخنرانی خود در روز دوازده فروردین ۱۳۴۲ شدیداً از سکوت علمای قم و نجف و دیگر بلاد اسلامی در مقابل جنایات تازه رژیم انتقاد کرد و فرمود: «امروز سکوت، همراهی با دستگاه جبار است.» حضرت امام روز بعد اعلامیه معروف خود را تحت عنوان شاه دوستی یعنی غارتگری منتشر ساخت.

سال ۱۳۴۲ با تحریم مراسم عید نوروز آغاز و با خون مظلومین فیضیه خون‌رنگ شد. شاه بر انجام اصلاحات مورد نظر امریکا اصرار می‌ورزید و امام خمینی بر آگاه کردن مردم و قیام آنان در برابر دخالت‌های امریکا و خیانت‌های شاه پافشاری داشت.

## □ قیام ۱۵ خرداد

ماه محرم ۱۳۴۲ که مصادف با خرداد بود فرارسید امام خمینی از این فرصت نهایت استفاده را در تحریک مردم به قیام علیه رژیم مستبد شاه به عمل آورد. امام خمینی در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ هـ ق ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ هـ ش در مدرسه فیضیه، نطق



تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد. در همین سخنرانی بود که امام خمینی با صدای بلند خطاب به شاه فرمود:

«آقا من به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم دست‌بردار از این کارها، آقا اغفال می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند ... اگر دیکته می‌دهند دستت و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن ... نصیحت مرا بشنو ... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف نزنید ... مگر شاه اسرائیلی است؟»

شاه فرمان خاموش کردن قیام را صادر کرد. نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر شدند و ساعت سه نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام را محاصره کردند و ایشان را در حالی که مشغول نماز شب بود دستگیر و سراسیمه به تهران بردند و در بازداشتگاه باشگاه افسران زندانی کردند

با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲، قیام ظاهر سرکوب شد. امام خمینی در حبس از پاسخ گفتن به سؤالات بازجویان، با شهامت و اعلام اینکه هیئت حاکمه در ایران و قوه قضائیه آن را غیرقانونی و فاقد صلاحیت می‌داند، اجتناب ورزید.

در شامگاه ۱۸ فروردین سال ۱۳۴۳ بدون اطلاع قبلی، امام خمینی آزاد و به قم منتقل شد. به محض اطلاع مردم، شادمانی، سراسر شهر را فرا گرفت و جشن‌های باشکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز برپا شد. اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ با صدور بیانیه مشترک امام خمینی و دیگر مراجع تقلید و بیانیه‌های جداگانه حوزه‌های علمیه گرامی داشته شد و به عنوان روز عزای عمومی معرفی گردید.

امام خمینی در روز ۴ آبان ۱۳۴۳ بیانیه‌ای انقلابی صادر کرد و در آن نوشت: «دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از امریکا است، ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متنفر است ... امریکا است که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند.

امریکا است که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلمان را آواره کند.»

سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دوباره کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی را در قم محاصره کردند. شگفت آن که وقت بازداشت، همانند سال قبل مصادف با نیایش شبانه امام خمینی بود. حضرت امام بازداشت و به همراه نیروهای امنیتی مستقیماً به فرودگاه مهرآباد تهران اعزام و با یک فروند هواپیمای نظامی که از قبل آماده شده بود، تحت الحفظ مأمورین امنیتی و نظامی به آنکارا پرواز کرد. عصر آن روز ساواک خبر تبعید امام را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور را در روزنامه‌ها منتشر ساخت.

اقامت امام در ترکیه یازده ماه به درازا کشید و در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی‌سابقه‌ای بقایای مقاومت را در ایران درهم شکست و در غیاب امام خمینی به سرعت دست به اصلاحات امریکا پسند زد. اقامت اجباری در ترکیه فرصتی مغتنم برای امام بود تا تدوین کتاب بزرگ تحریرالوسیله را آغاز کند.

**تبعید امام خمینی از ترکیه به عراق**  
روز ۱۳ مهرماه ۱۳۴۳ حضرت امام به همراه فرزندشان آیت‌الله حاج آقا مصطفی از ترکیه به تبعیدگاه دوم، کشور عراق اعزام شدند.

دوران اقامت طولانی و ۱۳ ساله امام خمینی در نجف در شرایطی آغاز شد که هر چند در ظاهر فشارها و محدودیت‌های مستقیم در حد ایران و ترکیه وجود نداشت اما مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها و زخم‌زبان‌ها نه از جبهه دشمن رویارو بلکه از ناحیه روحانی‌نمایان و دنیاخواهان مخفی شده در لباس دین چنان گسترده و آزاردهنده بود که امام با همه صبر و بردباری معروفش بارها

از سختی شرایط مبارزه در این سال‌ها به تلخی تمام یاد کرده است.

امام خمینی سلسله درس‌های خارج فقه خویش را با همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌های عناصر مغرض در آبان ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری (ره) نجف آغاز کرد که تا زمان هجرت از عراق به پاریس ادامه داشت. حوزه درسی ایشان به عنوان یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های درسی نجف از لحاظ کیفیت و کمیت شاگردان شناخته شد.

امام خمینی در تمام دوران پس از تبعید، علیرغم دشواری‌های پدید آمده، هیچ‌گاه از مبارزه دست نکشید و با سخنرانی‌ها و پیام‌های خویش امید به پیروزی را در دل‌ها زنده نگاه می‌داشت.

### ■ امام خمینی و استمرار مبارزه

نیمه دوم سال ۱۳۵۰ اختلافات رژیم بعثی عراق و شاه بالا گرفت و به اخراج و آواره شدن بسیاری از ایرانیان مقیم عراق انجامید. امام خمینی طی تلگرافی به رئیس جمهور عراق شدیداً اقدامات این رژیم را محکوم نمود. حضرت امام در اعتراض به شرایط پیش آمده تصمیم به خروج از عراق گرفت اما حکام بغداد با آگاهی از پیامدهای هجرت امام در آن شرایط اجازه خروج ندادند سال ۱۳۵۴ در سالگرد قیام ۱۵ خرداد، مدرسه فیضیه قم بار دیگر شاهد قیام طلاب انقلابی بود. فریادهای درود بر خمینی و مرگ بر سلسله پهلوی به مدت دو روز ادامه داشت شاه در ادامه سیاست‌های مذهب‌ستیز خود در اسفند ۱۳۵۴ وقیحانه تاریخ رسمی کشور را از مبداء هجرت پیامبر اسلام به مبداء سلطنت شاهان هخامنشی تغییر داد. امام خمینی در واکنشی سخت، به حرمت استفاده از تاریخ بی‌پایه شاهنشاهی فتوا داد. تحریم استفاده از این مبداء موهوم تاریخی همانند تحریم حزب رستاخیز از سوی مردم ایران استقبال شد و هر دو مورد افتضاحی برای رژیم شاه شده و رژیم در سال ۱۳۵۷ ناگزیر به عقب‌نشینی و لغو تاریخ شاهنشاهی شد.

### ■ اوج‌گیری انقلاب اسلامی

امام خمینی که به دقت تحولات جاری چهارم و ایران را زیر نظر داشت از فرصت به دست آمده نهایت بهره‌برداری را کرد. شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی



در اول آبان ۱۳۵۶ و مراسم پرشکوهی که در ایران برگزار شد، نقطه آغازی بر خیزش دوباره حوزه‌های علمیه و قیام جامعه مذهبی ایران بود. امام خمینی در همان زمان به گونه‌ای شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیده بود. رژیم شاه با درج مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه امام در روزنامه اطلاعات انتقام گرفت. اعتراض به این مقاله، به قیام ۱۹ دی ماه قم در سال ۵۶ منجر شد که طی آن جمعی از طلاب انقلابی به خاک و خون کشیده شدند. شاه با وجود دست زدن به کشتارهای جمعی نتوانست شعله‌های افروخته شده را خاموش کند. او بسیج نظامی و جهاد مسلحانه عمومی را به عنوان تنها راه باقیمانده در شرایط دست‌زدن امریکا به کودتای نظامی ارزیابی می‌کرد.

### هجرت امام خمینی از عراق به پاریس

در دیدار وزراری خارجه ایران و عراق در نیویورک تصمیم به اخراج امام خمینی از عراق گرفته شد. روز ۱۲ مهر، امام خمینی نجف را به قصد مرز کویت ترک گفت. دولت کویت با اشاره رژیم ایران از ورود امام به این کشور جلوگیری کرد. قبلاصحت از هجرت امام به لبنان و یا سوریه بود اما ایشان پس از مشورت با فرزندان (حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی) تصمیم به هجرت به پاریس گرفت.

امام خمینی در دی‌ماه ۵۷ شورای انقلاب را تشکیل داد. شاه نیز پس از تشکیل شورای سلطنت و اخذ رای اعتماد برای کابینه بختیار در روز ۲۶ دی‌ماه از کشور فرار کرد. خبر در شهر تهران و سپس ایران پیچید و مردم در خیابان‌ها به جشن و پایکوبی پرداختند.

### بازگشت امام خمینی به ایران

اوایل بهمن ۵۷ خبر تصمیم امام در بازگشت به کشور منتشر شد. هر کس که می‌شنید اشک شوق فرو می‌ریخت.

سرانجام امام خمینی بامداد ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از ۱۴ سال دوری از وطن وارد کشور شد. استقبال بی‌سابقه مردم ایران چنان عظیم و غیرقابل انکار بود که خبرگزاری‌های غربی نیز ناگزیر از اعتراف شده و مستقبلین را ۴ تا ۶ میلیون نفر برآورد کردند.

### رحلت امام خمینی

از صبحدم ۲۲ بهمن تا ۱۳ خرداد ۶۸ (رحلت امام) حوادث سنگین بی‌شماری با محدودیت و نقش خصمانه امریکا و حمایت همه جانبه دول غربی با کمک گروه‌ها و احزاب متعدد چپ و راست در ایران در مقابله با امام خمینی و انقلاب اسلامی بروز کرد. این حوادث آن قدر گسترده بود که در این مختصر نمی‌گنجد و فقط در یک جمله می‌توان گفت هر کدام از آن حوادث به تنهایی می‌توانست مسیر انقلاب را منحرف کند و به شکست بکشاند. اما الطاف الهی و هوشمندی امام و وفاداری و آگاهی ملت ایران، تمام توطئه‌ها را خنثی کرد به گونه‌ای که ملت ایران، در سال ۱۳۶۸ درحالی که با پیکر مطهر امام خویش پس از ۱۱ سال تحمل سختی‌ها و مشکلات وداع می‌کرد، جمعیت چندین برابر بیشتر از لحظه ورود بود. عشق و پایداری مردم عمیق تر و قصدشان بر ادامه راه امام و انقلاب جدی تر و نظام‌شان با وجود همه توطئه‌ها و حوادث، پرباتر از هر زمان دیگر بود. شگفت آنکه امام خمینی سال‌ها پیش از رسیدن روز شنبه



سیزدهم خردادماه سال ۱۳۶۸ - یعنی لحظه جدایی روح ملکوتی‌شان از بدن خاکی - این لحظه را پیش بینی کرده و در یکی از غزلیاتش گفته بود:

سال‌ها می‌گذرد، حادثه‌ها می‌آید

انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

روانش شاد و راهش پر رهرو باد.

منابع:

#### پیام انقلاب/ش ۲۳

- ۱- کوثر (مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۱، جلد اول.
- ۲- قادری، سیدعلی. خمینی روح‌الله (زندگینامه امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران ۱۳۸۲.
- ۳- ستوده، امیررضا. پا به پای آفتاب (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام)، نشر پنجره، تهران ۱۳۷۳، جلد اول.
- ۴- صحیفه نور (مجموعه ۲۲ جلدی، رهنمودهای امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.



### سوگ روح الله

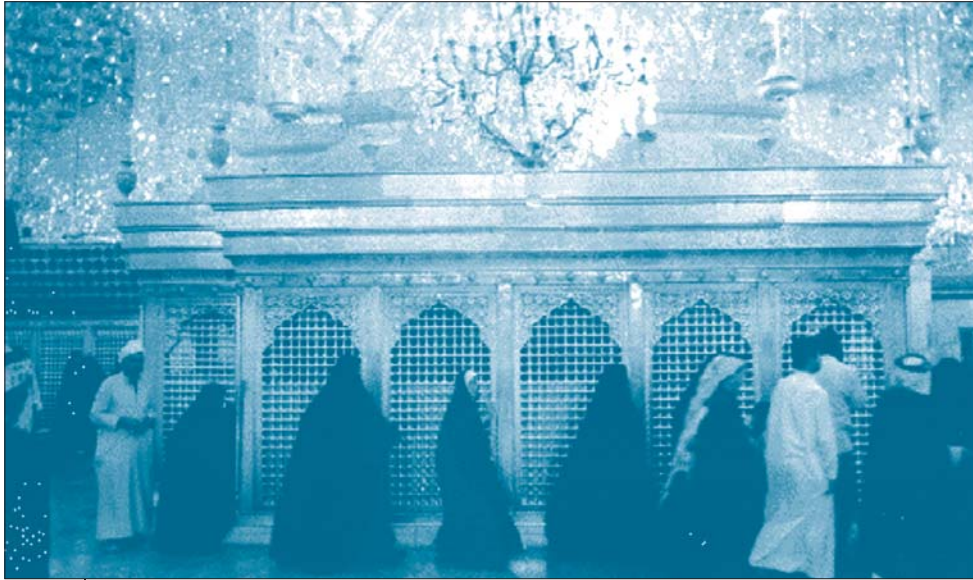
فرز اصفهانی

دوش آشوبی میان ماه بود  
ماه از یک حادثه آگاه بود  
ابرها آبستن یک نیل اشک  
دوش این دلشوره‌ها جانکاه بود  
اشک‌ها بر گونه‌ام می‌تاختند  
سینه‌ام انگار جولانگاه بود  
رمز فتح این سکوت ناگزیر  
لب زدن با ذکر بسم‌الله بود  
دانه تسبیح و اشک و عقربه  
هر سه با هم تا سحر همراه بود  
چرت نازک با صدایی می‌شکست  
ناله مرغ سحر، بیگانه بود  
بهر آنکه زودتر شب طی شود  
انتظار صبح، تنها راه بود  
عاقبت طی شد شب و آمد سحر  
اولین بانگ مؤذن، آه بود  
تازه فهمیدم که آن دلشوره‌ها  
انعکاس سوگ روح الله بود

# حسینیه

## آثار

## وبرکات اخلاقی امام حسین (ع)



اگر دیدی که ناپینا و چاه است  
اگر خاموش بنشینی گناه است

یکی از آثار و برکات سیدالشهدا (ع) در بعد اخلاقی - تربیتی این است که قیام او باعث گردید در جامعه مسلمانان نوعی اخلاق جدید بلند نظرانه پدید آید و نظر انسان را به زندگی خود و دیگران، دگرگون سازد تا بتواند بدینوسیله جامعه را اصلاح نماید. و به عبارت دیگر، با خودسازی به دیگر سازی نیز بپردازد. آری، در آن زمانی که بنیاد روانی و اخلاقی مردم در هم ریخته و ویران شده بود و ایسن ویرانی شامل رهبران مسلمین و بزرگان آنان نیز شده بود و با اخلاق و شیوه‌ای و حشمتاک زندگی می کردند، امام حسین (ع) یگانه درمان آن حالت بیمار گونه را که در مجتمع مسلمانان مورد قبول واقع شده بود، در قیام آشکار و فریاد در آن سکوت مرگبار دید. لذا آن حضرت با خون پاک خود و فرزندان و یارانش و با همه اعتبارات احساسی و تاریخی، حتی شمشیر و عمامه جدش رسول خدا (ص)، وارد مبارزه گردید تا همه روزنه‌ها و راههای توجیه را فرو بندد.

سیدالشهدا (ع) نیک دریافته بود که وجدان شکست خورده و اخلاق پست امت را نمی توان به وسیله رویارویی ساده دگرگون ساخت، از این رو با قیام و شهادت خویش دیری نباید که اخلاق هزیمت و فرار را به نیرویی عظیم در آورد و اخلاق جدیدی به جای آن جایگزین نمود. برآستی شهادت حسین بن علی (ع) تأثیر ژرف و شگرفی بر شیعیان ساکن و ساکت بجای گذاشت، و سرنوشت غم انگیز نواده پیامبر اکرم (ص) عواطف اخلاقی و مذهبی مردم را بهم ریخت. در اثر قیام و شهادت امام حسین (ع) موجی در روح مسلمین به وجود آمد، حمیت و عزت، شجاعت و صلابت به وجود آمد، و احساسات بردگی و اسارتی که از اواخر حکومت عثمان و تمام دوره معاویه بر روح جامعه اسلامی حکمفرما بود، تضعیف شد و ترس آنها را فرو ریخت، خلاصه، اباعبدالله (ع) به اجتماع اسلامی شخصیت داد. کربلا و قیام سیدالشهدا (ع) نمایشگاه اخلاق عالی اسلامی و انسانی با همه صفات و طراوت آن بود و این اخلاق را نه به زبان که در عمل به خون پاک خویش بر صفحه ماندگار تاریخ به ثبت رسانید.

از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم

زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

\*\*\*

احساس گناه در بین مسلمین

یکی دیگر از آثار نهضت و شهادت سیدالشهدا (ع) این بود

که مردم پس از مدت کوتاهی متوجه عدم توانایی و ضعف نفس خود شدند، لذا احساس عمیق ندامت و گناه کرده و چنین اندیشیدند که برای جبران این اهمال کاری و غفلت، و نیز برای طلب بخشایش الهی، باید جانبازیهای مشابهی را انجام دهند. و از جمله کارهای امام زین العابدین (ع) این بود که کوشید این احساس گناه را شعله ور سازد. از این رو به گروه انبوهی از مردم کوفه نهیب زده و فرمود:

ای مردم، شما را به خدا سوگویم می دهم، آیا شما فراموش کردید که نامه‌ها برای پدرم نوشتید و چون به سوی شما آمد، به او خدعه و نیرنگ زدید؟! شما با پدرم عهد و پیمان بستید و با وی بیعت کردید، اما بیعت خود را شکستید و او را به قتل رساندید پس هلاکت بر شما باد و با این توشه‌ای که به آخرت فرستادید هلاکت بر شما باد. چه رای زشت و پلیدی را که برای خود پسندیدید! آنگاه که به دیدار پیغمبر خدا (ص) می شتابید و به شما بگوید: «عترت مرا کشتید، هتک حرمت مرا کردید.» با چه دیده‌ای به او نظر خواهید کرد؟ و سرانجام به شما خواهد گفت: «از امت من نخواهید بود.»

این احساس گناه عامل همیشه شعله وری بود که مردم را برای شورش و انتقام جویی همواره به جلو می رانداستاد «عادل ادیب» در این باره می نویسد: شهادت امام حسین (ع) در کربلا موجی شدید از احساس گناه در وجدان هر مسلمانی برانگیخت. آنان پی بردند که می توانستند او را یاری دهند. اما از آن پس که با او برای قیام پیمان بستند، او را یاری نکردند. این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک طرف انسان را وادار می ساخت که گناهی را که مرتکب شده با کفاره بشوید، و از طرف دیگر نسبت به کسانی که او را به ارتکاب چنین گناهی واداشته بودند، احساس کینه و نفرت کند. به طوری که انگیزه انقلابهای متعددی که در اثر قتل امام (ع) برپا شد، همان کفاره یاری نکردن به حضرت او، و انتقام گرفتن از امویان بود. مقدر چنین بود که آتش این احساس گناه، پیوسته برافروخته بماند و انگیزه انتقام از بنی امیه در هر فرصت به انقلاب و قیام بر ضد ستمگران منتهی گردد. باری، بر اثر شهادت امام حسین (ع) این آیه شریفه مصداقی روشن یافت: و یوم یعض الظالم علی یدیه و روزی که ستمکار دستهای خود را از پشیمانی می گرد.

\*\*\*

از دیاد محبوبیت سید الشهداء (ع) و خاندان وحی

سؤمین اثر مهم تربیتی قیام و شهادت سیدالشهدا (ع)، بالا بردن محبوبیت خاندان حضرت علی (ع) در اجتماع اسلامی و شناساندن بیشتر و بهتر آنان به مردم بوده است. مسئله داشتن

محبوبیت و قبضه کردن افکار اجتماع از مسائل حیاتی و مهمی است که همواره مورد نظر حکومتها بوده و هست. حکومتها هر چند به طور اکثر تکیه گاه بزرگی جز قدرت ندارند، اما به خوبی می دانند که نیرومندتر از قدرت نظامی، جایگاهی است که در دلهای مردم می باشد، و سعی دارند آن را برای خویش به دست آورند.

معاویه نیز با همه تلاشهای شیطانی خود به طور کلی می خواست دو چیز را به دست آورد: یکی محبوبیت بخشیدن به خاندان و شجره خبیثه بنی امیه، و دیگری سقوط خاندان و شجره طیبه حضرت علی (ع) از محبوبیت. متأسفانه معاویه در این تلاش خود موفقیت بسیاری هم کسب کرد. اما با ظهور حماسه حسینی و جانبازیهای مردان راستین خدا، نفوذ معنوی و اعتبار روحانی عمیقی برای سیدالشهدا و اهل بیت (ع) ایجاد نمود. به طوری که هر چه از آن واقعه می گذشت مردم بیشتری به خاندان حضرت علی (ع) جذب می شدند این محبوبیت رفته رفته چنان بسلا گرفت که عده‌ای برای خونخواهی و به نام هوا داران از خاندان رسول خدا (ص) دست به قیام زدند. آری، اگر حسین بن علی (ع) پیش از نهضت مردانه اش به عنوان امام وقت و سیط پیغمبر و فرزند علی و فاطمه، و بزرگترین شخصیت از خاندان وحی شناخته می شد، پس از قیام با حفظ مقامات سابق، به نام عالیترین و کاملترین نمونه مردانگی و مجاهدت و فداکاری در راه خدا و حقیقت شناخته شد. مسیوماربین آلمانی در این خصوص می نویسد: مهمترین اثر این نهضت این بود که ریاست روحانی که در عوالم سیاست اهمیت شایانی داشت، مجدداً به دست بنی هاشم افتاد، و به ویژه در بازماندگان حسین (ع) مسلم گردید، و چندی طول نکشید که (حکومت) ظلم و جور معاویه و جانبازان او منهدم شد و در کمتر از یک قرن قدرت از بنی امیه سلب گردید منهدم شدن (قدرت) بنی امیه به قسمی شد که امروز نام و نشانی از آنها نمودار نیست و اگر در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر شده در تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده است، و این نیست مگر به واسطه قیام امام حسین (ع) و یاران باوفای او.

منابع:

- ۱) سیره امامان، سید محسن امین، ص ۱۸۸
- ۲) زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، عادل ادیب، ص ۱۴۹
- ۳) سوره فرقان، آیه ۲۷
- ۴) نقل از کتاب درسی که حسین به انسانها آموخت شهید هاشمی نژاد، ص ۴۴
- ۵) علیرضا رجالی تهرانی





# بازتاب کانتورا

## در فقه سیاسه شیعه (۴)

سید ضیاء مرتضوی

در ارزیابی این ادعا جای پرداختن تفصیلی نیست اما در پاسخ به سخن ایشان و تأکید بر ضعف آن، از میان ادله و شواهد موجود، افزون بر آنچه در ادامه نیز در تبیین و تحلیل دیدگاه فقهی امام خمینی خواهد آمد، دو نمونه را بازگو می‌کنیم:

### نامه امام حسین (ع)

ایوب بن نوح - که از شخصیت‌های برجسته شیعه و از وکلای امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) بوده است - از صفوان بن یحیی - که خود از بزرگان و فقهای شیعه و وکیل حضرت رضا (ع) و حضرت جواد (ع) و پیش امام هشتم (ع) از جایگاه والایی برخوردار بوده است و روایات او در نظر بسیاری از فقها، حتی بدون توجه به اعتبار اسناد روایی پیش



از او، مورد قبول است - و او از مروان بن اسماعیل، و مروان از حمزه بن حمران نقل می‌کند که در حضور امام صادق (ع)، درباره قیام امام حسین (ع) و عدم همراهی محمد بن حنفیه سخن گفتیم. امام صادق (ع) خطاب به حمزه بن حمران با تأکید بر اینکه حدیثی را که اینک برای تو باز گو می‌کنم پس از این جلسه، دیگر درباره آن پرسشی نکن، فرمود: حسین (ع) هنگامی که عازم حرکت شد کاغذی خواست و این نامه را نوشت:

«بسم الله الرحمن الرحيم. من الحسين بن علي بن ابي طالب الي بني هاشم، اما بعد، فان من لحق بي منكم أستشهد، و من تخلف لم يبلغ مبلغ الفتح و السلام؛ بسم الله الرحمن الرحيم. از حسین بن علی بن ابی طالب به بنی هاشم. اما بعد، هر کس از شماها به من پیوندد، به شهادت می‌رسد، و هر کس باز ماند به جایگاه فتح و پیروزی نخواهد رسید. والسلام.»

### سخن امام باقر (ع)

نمونه دوم سخنی از امام باقر (ع) است که مرحوم کلینی آن را با سندی صحیح در دو جای کتاب کافی آورده است و راوی نخست آن حمران بن اعین شیبانی است که پدر حمزه بن حمران، راوی نمونه قبلی می‌باشد. او که نیز شخصیتی بزرگ در میان اصحاب ائمه (ع) به شمار می‌رود و در تعبیری از او به عنوان یکی از حواریون امام باقر (ع) و امام صادق (ع) یاد شده، در جلسه ای علمی با حضور امام باقر (ع) و گروهی از اصحاب حضرت، شرکت داشته است. در این جلسه امام (ع) درباره مقامات علمی ائمه (ع) سخن گفت و از کسانی که ادعای ولایت دارند ولی شناخت لازم درباره جایگاه والای علمی آنان ندارند انتقاد کرد. بحث امام (ع) در تبیین شخصیت علمی امامان (ع) و آگاهی ایشان از اخبار آسمانها و زمین و همه نیازهای دینی، این فرصت را برای حمران فراهم آورد که پرسش کلی خود را درباره قیام امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و وظیفه الهی که به انجام رساندند ولی با این حال از ناحیه طاغوتیان به قتل رسیده و مغلوب آنان شدند، مطرح کند و علت آن را جویا شود. و به عبارت دیگر پرسش

و شبهه وی این بود که اگر آن چنان که درباره علوم و آگاهی های امامان (ع) می‌فرمایید باشد، پس چگونه است که آن امامان (ع) دچار چنین سرنوشتی شدند که گویا به فرجام کار خویش آگاهی نداشته اند!

«جعلت فداک، أرأیت ما کان من أمر قیام علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین علیهم السلام و خروجهم و قیامهم بدین الله عزّ ذکرة، و ما اصیبوا من قتل الطواغیت ایّاهم و الظفر بهم حتی قتلوا و غلبوا؟»

امام باقر (ع) در پاسخ به این پرسش و رفع شبهه ای که احتمالاً برای حمران و همه یا برخی از اعضای جلسه پیش آمده بود از جمله فرمود: «یا حمران! ان الله تبارک و تعالی قد کان قدّر ذلک علیهم و قضاه و أمضاه و حتمه علی سبیل الاختیار (الاختیار خ ل) ثم أجراه. فبتقدم علم الیهم من رسول الله (ص) قام علیّ و الحسن و الحسین علیهم السلام، و بعلم صمّت من صمت منّا؛ ای حمران، خدای تبارک و تعالی، آن را بر آنان مقدّر و به شکل اختیاری (آزمایشی)، حتمی ساخته بود، و بعد آن را جاری ساخت. بنابراین، با آگاهی قبلی از ناحیه رسول خدا (ص) بود که علی و حسن و حسین، علیهم السلام، قیام کردند و هر کس از ما نیز سکوت می‌کند با همین آگاهی است.»

آن گاه حضرت (ع)، افزود که اگر آنان از درگاه خداوند، تغییر این وضعیت و نابودی آن ستمکاران را درخواست می‌کردند، خداوند اجابت می‌کرد و در کمترین فرصت، آن طاغوتها را از میان می‌برد. و اگر آن امامان دچار چنین گرفتاری هایی شدند، به هدف دستیابی به جایگاه و کرامتی الهی بود که خداوند می‌خواست آنان بدان دست یابند و نه عقوبت نافرمانی. لذا مبدا که دیدگاهها و آرای این و آن تو را به انحراف بکشاند.

بنابراین علی رغم جایگاه ویژه و احترامی که مرحوم طبرسی همانند بزرگانی چون شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی دارد، نمی‌توان احتمال نخست ایشان در نحوه جمع میان ادله و جوب حفظ جان و حرمت افتادن در مهلکه و اقدام امام حسین (ع) را پذیرفت و به آن تن داد، همان گونه که نمی‌توان با ظاهر سخن آن

بزرگان پیشین همراهی کرد.

در نگاه مرحوم طبرسی هر چند حرکت سیدالشهدا (ع) در یک احتمال در تعارض با آیه شریفه «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» قرار دارد و آن را به بهای نفی علم امام (ع) به فرجام قیام توجیه کرده و پاسخ گفته است ولی نگاه دوم ایشان که به پیروی از دیدگاه سیدمرتضی «قدس سره» مطرح شده می‌تواند به عنوان یک مبنای کلی در فقه پذیرفته شود و مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه، در دوران امر میان ذلت و ننگ و سرانجام کشته شدن در «جنگ» دشمن از یک سو، و ایستادگی و کشته شدن کریمانه و مرگ شرافتمندانه همراه با عزت نفس در «جنگ» با دشمن، ترجیح با صورت دوم است اما اینکه سیدالشهدا (ع) نیز در همین شرایط قرار گرفته بود و آیا اساساً می‌توان اقدام حضرت را با چنین ضابطه ای تحلیل و تفسیر کرد، چنان که مرحوم طبرسی ممکن شمرده، مطلبی است که پذیرش آن مبنای کلی، لزوماً به معنای پذیرش این تفسیر و تحلیل نیست.

بوئژه که حتی با فرض دوم، همچنان این پرسش باقی می‌ماند که آیا امام (ع) از آغاز می‌دانست در چنین شرایطی قرار می‌گیرد که یا باید تن به کشته شدن ذلیلانه بدهد یا قتل شرافت مندانه را برگزیند؟

اگر می‌دانسته، آیا بر مبنای مرحوم طبرسی و استنتاجی که از آیه «لا تلقوا» کرده است، با مفاد آیه منافات ندارد؟ به نظر می‌رسد احتمال دوم، در نگاه آن مفسر ارجمند، بتواند مشکل تنافی با مفاد آیه را مرتفع سازد ولی مشکل نفی آگاهی امام (ع) به سرانجام شهادت که در احتمال اول مطرح شده، همچنان باقی است و طبعاً از این نظر، همان اشکال اساسی احتمال نخست، بر احتمال دوم نیز وارد است. از این رو پذیرش سخن طبرسی، در حدّ همان مبنای کلی محدود می‌گردد که در دوران میان دو گونه کشته شدن، ترجیح با قتل شرافت مندانه است و نه تحلیل ایشان در خصوص اقدام امام (ع). و این خود دستاورد ارزشمندی از اصل بازتاب عاشورا در فقه سیاسی این مفسر عالی مقام به شمار می‌رود، هر چند نحوه استدلال ایشان را نپذیریم.





# راز ماندگاری<sup>(۱)</sup>

دکتر محمد رضا سنگری

□ وقتی از پیامبر سوال کردند ما در قیامت شهیدان را در کجا بیابیم؟ فرمود: یقعدون معی و مع ابراهیم (ع) علی مانده الخلد میان من و ابراهیم پیدایشان کنید در حالی که بر سفره رحمت و مائده الهی نشسته اند.

سوال من این است که چرا پس از گذشت ۱۳۶۴ سال از حادثه ی ۶۱ هجری در سرزمین کربلا، تنها یک حادثه در تاریخ اسلام روشن، درخشان، دلپذیر، دلربا و صیقل خورده باقی مانده است و روز به روز هم درخشان به سوی نسل های آینده در حال سیر و حرکت است شاید بپذیریم که حالت سوز و درد و عمق فاجعه ی انسانی حادثه، علت ماندگاری اش باشد اما این دلیل کافی و مناسب نیست. تاریخ جهان لبریز از حادثه های تلخ است اما هیچ کدام ماندگار نبودند. ما حادثه هایی را در تاریخ می شناسیم که مثلاً در یک روز هزاران انسان جان باختند و حتی شاید شکل کشته شدن آنها کمی از شهادت یاران اباعبدالله حسین (ع) دردناکتر باشد. آیا اگر جلوی چشمان شما کسی را وارده کوه کنند و خاکستر آن را در بیرون بریزند دردناک نیست؟ و یا اگر شما شاهد یک اتاقی باشید که در آن اتاق ۳۵۰ نفر را وارد بکنند و بعد کبریت بزنند و جریان گاز آن ها را خاکستر کند و ساعتی بعد جویبی از روغن انسان از زیر در جاری شود این صحنه وحشتناک نیست؟ این ها صحنه های دردناکی نیستند؟! ما نمونه های این را در جنگ دوم جهانی سراغ داریم.



«ایشمن» در زندان شیشه‌ای، در کتاب «من فردا به جهنم می‌روم، صدها صحنه‌ی این‌گونه را توضیح داده است. او می‌گوید انسان‌ها را وارد اتاقی می‌کردم، کبریت می‌زدم و در بیرن از اتاق منتظر می‌ماندم تا جویی از روغن انسان جاری شود و من این صحنه را تماشا می‌کردم. دستور قتل عام می‌دادم و به این قتل عام نگاه می‌کردم.

یکی دیگر از کتابهای تاریخی معروف کتاب تاریخ جهانگشای جوینی است که نویسنده جریان حمله مغول را به ایران اینگونه وصف می‌نماید: من شاهد صحنه‌های محاصره‌ی شهری بودم، زنان و فرزندان را از مردان جدا می‌کردند، ده هزار مرد در حلقه‌ی سربازان مغول. سربازان مغول مردان را در انتظار خانواده‌گردن می‌زدند و سرهای بریده را به بازی می‌گرفتند. آیا این صحنه‌ها ترازدی نیست؟!

خیلی از این صحنه‌های تاریخی مربوط به پدران و گذشتگان ما بوده اند اما بعد از قرن هفتم در مسیر تاریخ به یاد این کشتگان حمله مغول کسی عزاداری برپا نکرده است. در واقع آن‌ها ایرانی و از گذشتگان ملت ما بودند و بر گردن ما حقی دارند ولی چرا یادی از آنها نمی‌کنیم؟

بعضی از ما شاید مزار بزرگ هایمان را هم پیدا نکنیم و اگر آن قبرستان را خراب کنند و به جایش پارک بسازند، ما هیچ‌گونه حساسیتی نشان نمی‌دهیم بلکه هزار چندگاهی برای تفریح به آنجا می‌رویم در حالی که ما از آنها هستیم. ولی وقتی می‌شنویم یک قافله به کربلا می‌رود مشتاقانه به آنجا می‌رویم و عاشقانه گریه می‌کنیم و اشک می‌ریزیم، مرور می‌کنیم و شگفتا...! که هر سال مرثیه‌های مکرر را می‌شنویم و هیچ‌گاه احساس کهنگی و تکرار نمی‌کنیم.

همه ما بارها حضرت ابوالفضل را شنیده ایم. می‌دانیم دست‌هایش را جدا کردند، بر فرقه ضربه زدند، به شکمش تیر زدند، ولی چرا هر بار می‌شنویم برایمان تازه است؟ چه سری در کربلای اباعبدالله وجود دارد که آن را از تاریخ جهان جدا کرده و در چشم‌ها و دل‌ها نشانده و به امروز رسانده است. این سوال بسیار مهم و جدی است چرا موقعیت‌های دیگر تاریخ اسلام این خصوصیت را ندارند. مگر علی (ع) کوچک است، ایشان است که وقتی جنگ احزاب شمشیرش بالا می‌رفت و فرود می‌آمد، پیامبر (ص) فرمود: ارزش این ضربه‌ی شمشیر از هر چه عبادت جن و انس است فراتر می‌باشد آن هم تا قیام قیامت!

و این تا پایان تاریخ دنیا ادامه خواهد داشت. چه کسی می‌داند آن شمشیر زدن در چه روزی بوده است؟ مگر پیش از اباعبدالله، سید الشهداء تاریخ حضرت حمزه نبود؟ مگر شهادتش دردناک نبود؟ اصلاً آیامی‌دانید چه روزی حضرت حمزه به شهادت رسید؟ حضرت زینب (س) در مقابل یزید اشاره کرد به این که شما آله الاکباد هستید در هنگام شهادت حضرت حمزه بالای سرش آمد سینه‌اش را درید جگرش را بیرون آورد و خورد آن هم یک زن!

حضرت می‌فرماید: «شما گوشت و پوستتان از جگر شهید روییده است.» این مسئله نشان می‌دهد که اینطور نبوده که از خشم جگر را بیرون بیاورد و زیر دندان بگذارد. بلکه از جگر حمزه خورده است. سپس دماغش را برید، گوشش را برید مثله کردند حمزه‌ی سید الشهداء را. اما آیا شما می‌دانید که شهادتش چه روزی بود؟ و یا شنیده اید برای آن حضرت روضه برپا کنند؟

مگر او سید الشهداء اول تاریخ اسلام نیست، پس چرا مجلس عزایش برپا نمی‌کنند؟ تفاوت کربلا با دیگر موقعیت‌ها در چیست؟ علت شاخص بودنش چیست؟ کدام خون در رگهای کربلا جریان دارد که کربلا هنوز و برای همیشه زنده است؟ واقعا کربلا چه چیزی دارد؟

عجب است کوتاهترین واقعه تاریخ اسلام، نیز همین حادثه‌ی کربلاست. من با مطالعه و بررسی به تاریخ برگشتم و معلوم شد روز عاشورا ۲۱ مهر ماه سال ۵۹ شمسی معادل ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری قمری بوده است. طول روز عاشورا ۱۳ ساعت و ۳۸ دقیقه بود. از طرفی اباعبدالله در لحظه غروب به شهادت رسیدند. لذا حضرت اباعبدالله در حدود ساعت ۵:۳۸ به دست «شمر بن ذی الجوش» در گودال قتلگاه به شهادت رسید مثل این خیلی زیاده بوده، قبل از اباعبدالله سرهای زیادی بریده شده از جمله آنها «عمر بن حتمق خزاعی» بود که اولین است که در اسلام سرش را بریده و برنیزه کردند و شهر

همه ما بارها حضرت ابوالفضل را شنیده ایم. می‌دانیم دست‌هایش را جدا کردند، بر فرقه ضربه زدند. به شکمش تیر زدند، ولی چرا هر بار می‌شنویم برایمان تازه است؟

در شهر گردانند و حرکت دادند. اما آیا کسی از شما می‌داند او که بوده است؟

او کسی بود که وقتی در آخرین لحظه‌ی شهادتش زاهر کنارش می‌نشید و به او می‌گوید: که تو برو، زیرا باید یک روز در یک نهضت بزرگ انجام وظیفه کنی (زاهر یکی از یاران بزرگ اباعبدالله در کربلا می‌شود) کسی می‌داند زاهر که بوده است آری برای ما بسیار سنگین است که یاران اباعبدالله را شناسیم و عظمت و بزرگیشان را نفهمیم و ندانیم که چگونه جذب حضرت اباعبدالله (ع) شدند؟

حال بینیم کربلا چه چیزی دارد که این قدر بزرگ و مهم است و از میان میلیون‌ها حادثه در تاریخ انسانی و اسلامی، شاخص شده است. و تا کنون اثر آن باقی است. به هیچ‌حادثه‌ای به اندازه این حادثه ما را توصیه نکرده اند. امام صادق (ع) ده سال حقوق می‌دهد وصیت می‌کند که در مناسبت غم کربلا مجلس بپا کنند. اما در تاریخ اسلام نشنیدید که پولی صرف برپایی مجلس عزای جهت حمزه‌ی سید الشهداء شود.

حتی اربعین پیامبر نیز برگزار نشده است. بعضی می‌گویند پیامبر شهید شمشیر نبود اما امیرالمومنین (ع) که شهید شمشیر بود پس چرا اربعین ایشان برپا نمی‌شود؟ اما برای حسین (ع) همه چیز هست و همه مراسم متفاوت اجرا می‌گردد اسرار این حادثه‌ی بزرگ و عزیز چیزی نیست جز مصداق شعر حافظ که:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

یعنی: هر چه نشان عشق داشته باشد، رنگی از جاودانگی و مانایی و زوال ناپذیری خواهد پذیرفت. اگر در جریانی عشق خالصانه جاری باشد، هرگز



زیارت، محوریت اصلی اعزام زائران به عتبات عالیات را برعهده داشته باشد و شیوه اجرایی همکاری سایر دستگاه‌ها توسط ستاد تعیین شده شورای عالی امنیت ملی با مسئولیت آقای دریادار محتاج تعیین شود و ظرف یکماه آینده نتیجه جلسات ستاد در همین نشست مشترک ارائه شود.

در این جلسه همچنین مقرر شد ارگان‌های ذیربط امکانات لازم را برای استقرار و پذیرایی از زائران در معابر و گذرگاه‌های مرزی فراهم سازند و با جدیت موضوع اعزام زائران از کانال سازمان حج و زیارت را پیگیری کنند.

در ماه‌های اخیر با افزایش اعزام زائران به صورت انفرادی و در قالب کاروان‌هایی بدون مجوز سازمان حج و زیارت مشکلات عدیده‌ای برای زائران ایرانی بوجود آمده است. در سفر اخیر نماینده ولی فقیه به عتبات عالیات این مشکلات که در جلسات مختلف مسوولان و دیدارهای حضوری زائران عنوان و موجب شد تا نشست مشترک دستگاه‌های ذیربط با نماینده ولی فقیه برای رفع مشکلات موجود برگزار شود.

طی سال‌های اخیر افراد سودجو با سوءاستفاده از اشتیاق مردم برای سفر اقدام به ثبت نام بدون مجوز برای اعزام زائران در قالب کاروان‌های غیر قانونی به عتبات عالیات می‌کنند که این مسأله امنیت زائران را به مخاطره می‌اندازد.

کاروان‌هایی که از طریق مجاری غیر رسمی اعزام شوند در چتر امنیتی شرکت طرف قرارداد سازمان حج و زیارت قرار نمی‌گیرند و در صورت بروز هر گونه حادثه‌ای مسئولیت با اعزام‌کنندگان است.

به گزارش واحد ارتباطات خبری بعثه مقام معظم رهبری در این نشست که با حضور معاونان و نمایندگان وزارت کشور، وزارت خارجه و اطلاعات، وزارت راه، نیروی انتظامی و استاندارهای مرزی خوزستان، ایلام، کرمانشاه و معاونان سازمان حج و زیارت و بعثه به ریاست آیت الله محمدی ری شهری برگزار شد، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت ابراز امیدواری کرد با همفکری و هماهنگی مسئولان دستگاه‌های ذی ربط مشکلات زائران عتبات عالیات کاهش یابد.

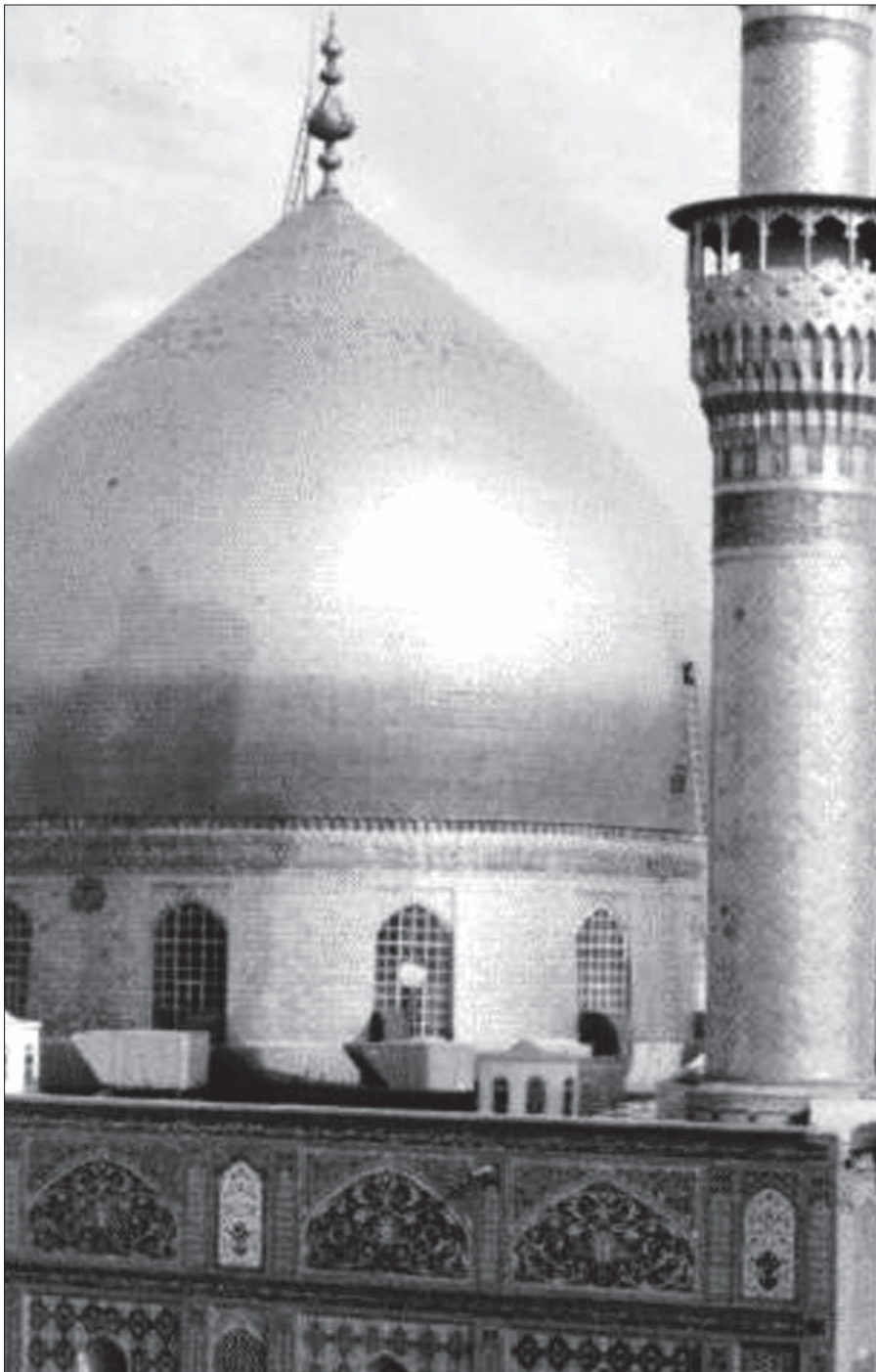
آیت الله محمدی ری شهری در این نشست که در دفتر بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد از نهادهای ذیربط خواست، تا برای جلب رضای خداوند متعال تمام توان خود را بکار گیرند تا مشکلات زائران ایرانی برای زیارت عتبات عالیات عراق تقلیل یابد.

سرپرست حجاج جمهوری اسلامی ایران به استعلام از مقام معظم رهبری و پاسخ ایشان در خصوص وضعیت اعزام زائران عتبات عالیات اشاره کرد و گفت: بنا به نظر رهبر معظم انقلاب، محور کار اعزام زائران به عتبات عالیات باید سازمان حج و زیارت باشد و سایر دستگاه‌ها می‌بایست در این زمینه همکاری‌های لازم را با این سازمان داشته باشند. شرکت‌کنندگان در این نشست ابتدا به بیان نظرات خود در خصوص مشکلات زائران ایرانی عتبات عالیات پرداختند و دامنه این مشکلات را خارج از کنترل سازمان حج و زیارت اعلام کردند. در این نشست مقرر شد سازمان حج و

## نشست مشترک

# آیت الله ری شهری با نمایندگان دستگاه‌های ذیربط برای حل مشکلات زائران عتبات





## نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت

در همایش دو روزه ای که در روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت ماه با حضور کلیه مدیران دفاتر و رؤسای ادارات حج و زیارت استان ها، مشاوران جوان و مدیران شرکت های مرکزی کارگزاران زیارتی سراسر کشور (شمسا) و مسئولان سازمان مرکزی در تهران برگزار شد، مسائل مهم این حوزه، مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و با هم اندیشی و مشورت مدعوین، تصمیمات ارزنده ای برای تسهیل، تسریع و بهبود خدمات رسانی به زائران اتخاذ گردید.

آیت الله ری شهری با اشاره به جایگاه ویژه خدمت‌گزاری در حوزه حج و زیارت، آن را از نعمت های بزرگ الهی برشمرد.

ایشان خاطر نشان کرد که زائران عزیز، در طول سفرهای زیارتی، با مشکلاتی مواجه می شوند که لازم است قبل از تشریف، با آن ها به طور کامل آشنایی داشته باشند و با دانستن آن سختی ها، نسبت به تنظیم برنامه مسافرت خود، تصمیم بگیرند.

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت، بر ضرورت اطلاع رسانی تأکید کرده، فرمودند: هر چه مشکل زائر، بیشتر و امکانات کمتر باشد، موضوع اطلاع رسانی، اهمیت و جدیت فراوان تری پیدا می کند. مسئله اطلاع رسانی، هم در حج و عمره و هم در عتبات، مهم است، اما در زیارت عتبات عالیات عراق، که زائران، از کیفیت نامطلوب حمل و نقل، اتوبوس ها و جا، گله می کنند، باید بیشتر اطلاع رسانی کرد.

وی در ادامه صحبت های خود، از صدا و سیما خواست، آن ها نیز در امور حج و زیارت، به ویژه اعتاب مقدس عراق به مردم اطلاع رسانی کنند.

آیت الله ری شهری به مدیران توصیه کرد که از اوقات طولانی فراغت زائر، استفاده بهینه نمایند و با کتابخانه های سیار و لوح های فشرده مناسب که به تأیید معاونت آموزش و پژوهش بعثه رسیده است، به غنی سازی زمان های آزاد زائران، از جمله در بین راه و داخل اتوبوس ها، کمک کنند.

وی در پایان، به مسئولان سازمان حج و زیارت توصیه کرد، با همکاری روحانیان کاروان، با خرافه گرایی ها، مقابله و تنها، حقایق مستند را بیان نمایند.

رئیس سازمان حج و زیارت خاکسار قهرودی نیز در جمع مدیران حج و زیارت سراسر کشور با اشاره به منویات مقام معظم رهبری و انتظارات به حق نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت از پیشرفت برنامه ها و بهبود کیفیت خدمات رسانی به زائران، خاطر نشان کرد: ما در حوزه اطلاع رسانی، ضعف ها و کاستی های فراوانی داریم. به خصوص در زمینه عتبات، همان گونه که آیت الله ری شهری نیز

مردم، از مسئولان مربوط، مطالبات مصرانه و دائمی داشته باشید.

وی از مدیران حج و زیارت سراسر کشور خواست که بر حسن اجرای امور در دفاتر کارگزاری زیارتی استان های خود، نظارت مستمر و دقیقی داشته باشند.

در پایان، از تلاش های خالصانه مدیران دفاتر و رؤسای ادارات حج و زیارت استان های کل کشور، تشکر و قدر دانی شد.

تاکید فرمودند؛ باید اطلاع رسانی دقیق تر و جامع تری صورت پذیرد. بعضی از زائران اگر سختی ها و مشکلات عراق را بدانند، حاضر به پذیرفتن شرایط چنین سفر مخاطره آمیزی نخواهند بود و این حق آن ها است.

وی تأکید کرد که ما وظیفه داریم، همیشه اخبار و اطلاعات درست و به موقع به مردم بدهیم.

رئیس سازمان حج و زیارت، خطاب به مدیران استان ها ابراز داشت: شما باید برای حل مشکلات

## از تمسایچه خبر

### واژگونی اتوبوس حامل زائران ایرانی در مسیر نجف به کربلا



در این حادثه یک زائر ایرانی جان باخت، ۲۵ نفر دیگر نیز مجروح شدند که ۱۷ تن از آنها به صورت سرپایی مداوا شدند. بقیه مجروحان حادثه نیز در بیمارستان نجف اشرف بستری شدند. زائران ایرانی در این اتوبوس با مدیریت ابوالقاسم قدرتی به صورت آزاد و خارج از برنامه سازمان حج و زیارت از مشهد مقدس عازم عتبات عالیات عراق شده بودند. نام زائری که در این حادثه جان باخته اردشیر سرابندی جدی اعلام شده است.

### حسین اکبری:

## اگر عراقی‌ها زمان بازرسی‌ها را طولانی‌تر کنند، مردم راحت‌تر از مرز زمینی خارج می‌شوند

حسین اکبری در گفت‌وگو با خبرنگار بخش حج و زیارت خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اشاره به بررسی و بازدید اخیر خود همراه گروهی از عوامل اجرایی و کارشناسان حوزه‌ی عتبات عالیات عراق از مرز مهران، اظهار کرد: طرف عراقی اعلام کرده بود، مدت زمان بازرسی‌ها در مرزهای زمینی را طولانی‌تر (۲۴ ساعته) می‌کند و با وجود این که گفته شده، این دستور را به مرزبان‌ها ابلاغ کرده، ولی تاکنون اجرایی نشده است. اکنون این مسأله با توجه به استفاده‌ی زائران انفرادی از مرز مهران، لغو پروازها در هفته‌ی گذشته و افزایش تعداد زائران اعزامی به شکل زمینی به عراق، وضعیت مرز مهران را نامطلوب کرده است. وی بیان کرد: در مرز زمینی، امکانات گسترده‌ای برای پوشش زائران زیاد نیست و این شرایط در خاک عراق بدتر است. البته مسیر بین راهی در این کشور، امکانات مورد نیاز را دارد. اکبری ادامه داد: در هفته‌ای که پروازها لغو شده بودند، روزانه ۵۰ اتوبوس کاروان‌های زیر نظر سازمان حج و زیارت از مرز مهران اعزام می‌شدند. روزانه ۷۰۰ نفر نیز به شکل آزاد و انفرادی به عراق می‌روند. ما برای کاروان‌های تحت نظارت خود، امکاناتی را پیش‌بینی کردیم؛ اما زائران انفرادی امکاناتی ندارند. وی گفت: اگر عراقی‌ها را متقاعد کنیم، زمان بازرسی‌ها را طولانی‌تر نکنند، مردم راحت‌تر از مرز زمینی خارج می‌شوند. اکنون مردم خیلی اذیت می‌شوند، چون زمان بازرسی کوتاه و بسیار نامنظم است و مردم باید بیشتر در انتظار بمانند. بنابراین با مسئولان ایلام مذاکره کردیم تا امکاناتی را در مرز مهران ایجاد و استاندارد را تعریف کنند تا اندکی از مشکلات زائران کم شود. او اظهار داشت: مسئولان ایلام ظرفیت قابل قبولی را ایجاد کرده‌اند. براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته قرار است، زائرانی که به مرز مهران وارد می‌شوند، در مهمان‌سراهای موجود اقامتی کوتاه داشته باشند تا زمان خروج از مرز به آن‌ها اعلام شود.



### پروازهای ماهان ایر به مقصد عراق لغو شد



به گزارش خبرنگار صداوسیما از نجف سازمان هواپیمایی عراق ۶ پرواز بین ایران و عراق در ۱۲ خردادماه را لغو کرد. این پروازها قرار بود زوار را از شهرهای تهران و مشهد و تبریز و شیراز به عراق منتقل کنند. مهدی شکرآرا نماینده سازمان حج و زیارت ایران این خبر را تایید کرد. علت لغو پروازها اعلام نشده است. نکته: لازم به توضیح است این پروازها پس از وقفه‌ای یک روزه از سر گرفته شد.

### مأموران پنهان شرکت مرکزی کارگزاران در کاروان‌های عتبات

به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف، شیوه پذیرایی در سالن‌های غذاخوری بین راهی، بهداشت و ...، از ابتدای خردادماه، شرکت مرکزی کارگزاران، تعدادی مأمور پنهان را در هر اتوبوس گمارده است که در طول سفر، ناظر بر نحوه عملکرد دست‌اندرکاران و کیفیت خدمات رسانی به زائران باشند.

آنچه مورد بازرسی و کنترل این مأموران قرار می‌گیرد، عبارت است از:

- ۱- وضعیت رانندگی در طول مسیر
  - ۲- کیفیت اتوبوس‌ها و وضعیت حمل و نقل داخل ایران
  - ۳- مراعات پاکیزگی سرویس‌های بهداشتی
  - ۴- وضعیت سالن‌های غذاخوری بین راهی
  - ۵- میزان رضایت زائران از چگونگی برخورد با آنان
- \* زائران عزیز، در صورت بروز هرگونه مشکل، می‌توانند با شماره تلفن‌های زیر، تماس حاصل فرمایند.  
شرکت مرکزی کارگزاران: ۸-۰۳۱۹۰۳۶۶۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّا عِيشَانَا الْيَوْمَ

عَلَيْكُمْ وَيَا طَيْرَ السَّمَاوَاتِ  
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

السلام عليك

يا سيّدنا عليّ بن موالينا

